

اعتراض شدید جمهوری دمکراتیک افغانستان به رژیم جمهوری اسلامی

مسئولین دولتی ایران به خاک افغانستان که بدستور حسینعلی منتظری صورت گرفته بود، پرداخته ضمن آن رژیم جمهوری اسلامی را رژیمی نامید که "جزیک رژیم غیرقانونی فاقد هر نوع اعتبار و اعتماد در عرصه بین المللی چیز دیگری نیست". این نشریه دو روز پیش از آن متن اعتراضیه رسمی وزارت خارجه این کشور را که تسلیم کاردار سفارت جمهوری اسلامی در کابل شده بود، انتشار داد. در این اعتراضیه اخطار شده بود که "این نوع مداخلات مستقیم ایران منجر به اتفاقات و عواقب ناگواری خواهد گشت که اثرات آن شامل حال دستوردهندگان و اجراکنندگان تحریک و تجاوز نیز خواهد بود... حکومت جمهوری دمکراتیک افغانستان ناچار در جهت دفع همچو تجاوزات و تحریکات اقدامات مقتضی را ایفا خواهد کرد امید که تمام مسئولیت آن بر عهده طرف جمهوری اسلامی ایران خواهد بود."

از آنجا که مفسده انگیزی های جمهوری اسلامی همچنان ادامه یافت وزارت امور خارجه دولت جمهوری دمکراتیک افغانستان در روز ۱۲ اسفندماه یار دیگر اعتراضیه رسمی دیگری تسلیم مقامات ایرانی کرد. متن کامل این اعتراضیه در روز ۱۴ اسفند ۶۴ در روزنامه حقیقت انقلاب ثور با عنوان "احتجاجیه شدید حکومت ج.ا.ی" درج گردید. نظر به اهمیت این امر و اطلاعات مشخص مندرج در آن ما به نشر آن اقدام می کنیم، در صفحه. امتن کامل این اعتراضیه را می خوانید.

اعلامیه مشترک
حزب کمونیست ترکیه، حزب کمونیست عراق
حزب توده ایران، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

سرمایه داری در تنگنای بحران ساختاری
نوشته ای از: کریستوری پیر وگف در صفحه ۱۲

همانگونه که در گزارش منتشره در اکثریت شماره ۸۸ خواننده اید در سال جاری دامنه مداخلات و تجاوزات گستاخانه رژیم جمهوری اسلامی در افغانستان گسترش پیشرفته ای یافته است. این امر اعتراض شدید مردم و دولت انقلابی افغانستان را برانگیخته است. در ماههای اخیر در نشریات این کشور مقالات متعددی در اعتراض به مداخلات رژیم خمینی در امور داخلی این کشور انقلابی درج شده است. "حقیقت انقلاب ثور" ارگان کمیته مرکزی حزب دمکراتیک خلق افغانستان در تاریخ ۲۵ بهمن با انتشار مقاله ای با عنوان "سو" نیت، مداخله و امیدهای شوم" به رخنه هیاتی از

خمینی سال ۶۵ را نیز سال جنگ اعلام کرد

جنگ باید ادامه یابد! خمینی در پیام آغاز سال نو و در سخنرانی ۴ فروردین خود در حضور مسئولین اصلی رژیم بر این موضوع تاکید ورزید. او سال ۶۵ را نیز سال جنگ اعلام کرد و برنامه حکومت خود را برای سال تازه کاملاً روشن ساخت. گرچه در این مورد ابهامی وجود نداشت.

خمینی در سخنرانی ۴ فروردین فرمان داد که همه باید به جبهه بروند. او گفت "امروز همه ما مکلف هستیم و جوانان ما باید بپرند جبهه ها را... آن کسی هم که به جنگ اشکال می کند واجب است که به جنگ برود!" او تاکید کرد "ما تا این حزب عقلی هست، جنگ خواهیم کرد."

خمینی و مسئولین حکومتی به ندرت بر مخالفت مردم با جنگ اشاره می کنند. وقتی آنها به تکذیب این موضوع برمی خیزند در واقع وجود و قدرتمندی آن را تایید می کنند. خمینی بخشی از سخنرانی ۴ فروردین خود را به این موضوع اختصاص داد و وقیحانه مدعی شد که مردم موافق بقیه در صفحه ۲



نشریه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

دوشنبه ۱۱ فروردین ۱۳۶۵ برابر ۲۱ مارس ۱۹۸۶
به ۶۰ ریال - سال سوم - شماره ۱۰۰

انتشار صدمین شماره نشریه "اکثریت"

با انتشار شماره ۱۰۰، "اکثریت" وارد سومیں سال انتشار خود شده است. "اکثریت" که نخستین شماره آن به مقابله ارگان تشکلهای هوادار سازمان در خارج از کشور منتشر گردید، در سال دوم انتشار، با عنوان نشریه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ارج از کشور به حیات خود ادامه داد. طی ۵۰ شماره ای که در سال دوم منتشر گردید، "اکثریت" کوشید در چارچوب همان وظایفی عمل کند که رؤس آن را در نخستین شماره این سال بر شمرده و انجام آن را عهده دار شده بود. مطمئناً قضاوت خوانندگان محک معتبری برای تشخیص توفیق ما در انجام وظایف پذیرفته شده است. آرزوی ما این است که نشریه "اکثریت" در سال سوم حیات خویش بتواند کام های تازه ای در ایفای وظایف انقلابی و مردمی، میهن پرستانه و انترناسیونالیستی خویش بر دارد. ما همه کوش خود را در این راستا بکار خواهیم گرفت. انتقادات و پیشنهادات خوانندگان، ما را در انجام این وظایف یاری خواهد داد.

نشریه "اکثریت" گزارشگر رژیم کارگران و دهقانان میهن

محکومیت عراق به خاطر استفاده از سلاحهای شیمیایی

دیر زمانی است که بر طبق قراردادهای بین المللی ممنوع اعلام شده است. اما در جنگ بی سرانجام ایران و عراق اقرار بود به موازین و افکار عمومی بین المللی توجه شود جنایتکاری طرفین تا این حد لجام کشیده نمی شد و امکان عنان زدن بر ماشین جنگی دو رژیم پدید می آمد. مجموعه جنگ، میناها و انگیزه های آن. سیاستهایی که دو طرف پیش می برند و تلقی و انتظار آنها از آینده خود بخود زمینه ساز مبادرت به هرگونه پلیدی و ددمنشی از جمله استفاده از سلاحهای شیمیایی می گردد. رژیم جمهوری اسلامی نیز صرفاً به خاطر نداشتن تدارکات لازم و یک یز تبلیغاتی مزورانه است که تا کنون دست به سلاحهای شیمیایی نمی برد و گرنه در این مورد از زبان

بقیه در صفحه ۱۰

شورای امنیت سازمان ملل متحد رژیم عراق را با ذکر نام به خاطر استفاده از سلاحهای شیمیایی در جنگ محکوم کرد. شورای امنیت در قطعنامه ای که به تصویب رساند ضمن محکوم ساختن کار بست سلاحهای شیمیایی به توسط رژیم عراق خواهان قطع جنگ بی سرانجام بین ایران و عراق گشت.

جنگ ارتجاعی ایران و عراق سراپا سیاهی و جنایتکاری و ددمنشی است اما در مجموعه اقدامات جنایتکارانه ای که در چارچوب این جنگ از سوی هر دو رژیم صدام حسین و خمینی صورت می گیرد، برخی اعمال اوچ پلیدی و وحشیگری محسوب می شوند. استفاده صدام حسین از سلاحهای شیمیایی از زمره این اعمال است.

استفاده از سلاحهای شیمیایی

جنبش کارگری و دهقانی در سال گذشته

کارگری و دهقانی را بپوشاندند. نکاهی به خبرها و مطالب سال گذشته بی گمان بر بستر یک تحلیل عمومی از وضعیت کشور می تواند شاخص قابل اتکایی برای تمیز دادن مسائل مطروحه در سطح این دو بخش بر اهمیت جنبش مردمی، خاصه بخش بنیادی و تعیین کننده مبارزات کارگری، وحد پیشرفتگی آنها به دست دهد.



نشریه "اکثریت" با این اعتقاد اصولی و دارای مبنای عینی که جنبش کارگری پیگیرترین، استوارترین، رشد یافته ترین و تعیین کننده ترین بخش جنبش توده ای است تلاش ویژه ای را برای بازتاب دادن اخبار مبارزات طبقه کارگر ایران و مسائل مطروحه در مبارزات کارگری می بذول می دارد. در ۵۰ شماره سال گذشته بقیه در صفحه ۸

نشریه "اکثریت" پیگیرانه در راستا کام برمی دارد که بین توده رانیان در خارج از کشور و مبارزه مردم در داخل کشور علیه ستم و دیکتاتوری پیوند استواری برقرار سازد. نشریه "اکثریت" گزارشگر صدیق مبارزه مردم میهن ماست. این نشریه آخرین تحولات کشور را به اطلاع طیف وسیع خوانندگان خود می رساند.

کثرت ودقت خبرهای درج شده در نشریه "اکثریت" و توجه ویژه و در عین حال متناسب با وظایف نشریه ای که مخصوص خارج از کشور است به مبارزات کارگران و دهقانان کشور، یک وجه متمایز برجسته این نشریه را تشکیل می دهد. خبرهای نشریه "اکثریت" در این زمینه به گونه ای برگزیده می شوند که بتوانند اکثر مسائل مطروحه در سطح جنبش

پیروزی مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

اعلامیه مشترک حزب کمونیست ترکیه، حزب کمونیست عراق،

حزب توده ایران، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

خمینی سال ۶۵ را...

بقیه از صفحه اول
جنگند و خواسته‌ای جز سوختن در کوره
این جنگ بی سرانجام ندارند.

خمینی در پخش مهمی از سخنرانی ۴
فروردین مجدداً تلقی ایدئولوژیک
خود از جنگ را تشریح کرد.

روی بحث "ایدئولوژیک" او
در مورد جنگ با مخاطبین معینی در
میان روحانیون و لیبرالهای مذهبی
بود. او نشان داد که انتقادات هم
سخن‌ها و همکامان و همدستان را هم با
سرکوبگری پاسخ می‌گوید. او به در
گفت تا دیوار بشنود. او از حکومتیان
خواست تا بر مبنای خط‌چنگ طلبانه او
پیش بروند و هیچ "مصلحتی" را در نظر
نگیرند. او یکبار دیگر نشان داد که در
مورد جنگ هیچ گونه اختلاف نظری را
در درون حکومت تحمل نخواهد کرد.
او می‌تواند دسته بندیهای حکومتی در
مورد این یا آن موضوع را تا حد معینی
تحمل کند اما در مورد جنگ "وحدت
کلمه" را اجباری می‌داند. او خود
گفت: جنگ تا نابودی، "نه یک کلمه
کم، نه یک کلمه بیش!"

سخنرانی‌ها و موضع گیریهای
خمینی در نظام حکومتی جمهوری
اسلامی نقش مشخصی دارند. خمینی در
موضع گیریهای علنی خود معمولاً حرف
آخر را می‌زند و نه حرف اول را. حرف
های اول را دسته بندیهای حکومتی
می‌زنند. در درون خود و یا بسته به
موضوع وحدت آن به صورت علنی و
آشکار-بحران که بالا می‌رود، کار که
بیخ پیدا می‌کند و گره‌ها که آشکار
می‌شوند در جماران کشوده می‌شود و
چانه خمینی به کار می‌افتد.

جنگ اکنون در درون حکومت
پیبایی به این گره برمی‌خورد که با
شدت ادامه یابد و یا در سرعت و
کیفیت پیشبرد آن عامل بحران و
فلاکت اقتصادی و ناتوانی در پیچ
نیرو ملحوظ شود. خمینی در سخنرانی ۴
فروردین تأکید کرد که حکومت باید
به جنگ و فقط به جنگ بیندیشد و
سلسله "والفجرهای" تازه را به قیمت
هزاران هزار قربانی هم که شده ادامه
دهد. خمینی در موضع گیری‌های اخیر
خود نشان می‌دهد که طرفدار پروپا
قرص هجوم‌های گسترده است و
تا کنیکهایی را که در سال گذشته زیر
عنوان "عملیات نفوذی" پاب شده
بود، خوش نمی‌دارد. از همین‌روست که
اکنون بی در پی فرمان سپیج نیرو
می‌دهد. خمینی دوستدار کشته‌های
پشته شده است، خمینی دوستدار
چپه‌های غرق در خون است. خمینی
سال تازه را خونین و عزادار
می‌خواهد، خونین‌تر و عزادارتر از پیش.

در ماه مارس سال ۱۹۸۶ (اسفند
ماه ۱۳۶۴) هیات‌های نمایندگان حزب
کمونیست ترکیه، حزب کمونیست
عراق، حزب توده ایران و سازمان
فدائیان خلق ایران (اکثریت)، به
رهبری دبیران اول خود دیدار
داشتند. در این دیدار اوضاع منطقه
بطور کلی و وضعیت هر یک از کشورها
بطور جداگانه مورد بحث و بررسی
قرار گرفته و با هدف تقویت مبارزه
مشترک بر علیه امپریالیسم،
صهیونیسم و مبارزه علیه رژیم‌های
ارتجاعی و ضد مردمی تبادل نظر بعمل
آمد. همچنین شعارهای مشترکی که
پاسخگوی منافع و مصالح مبارزه خلق
های آنهاست مورد مشورت قرار
گرفت. شرکت کنندگان در این دیدار
توافق کردند که اعلامیه زیر را منتشر
نمایند.

طی هفته‌های اخیر پدنهال
تهاجم جدید و گسترده رژیم ایران در
خاک عراق خطر گسترش جنگ ایران و
عراق و مداخله مستقیم امپریالیستی
افزایش یافته است. کمونیستها، این
جنگ و رژیم دیکتاتوری عراق را که
این تجاوز را با تصرف بخش‌های
بزرگی از خاک ایران آغاز کرده، از
همان ابتدا محکوم کردند. کمونیستها
با الهام از سیاست انترناسیونالیستی
بر پایه منافع ملی خود خواهان قطع فوری
جنگ و حل اختلافات بر مبنای صلح
دموکراتیک و عادلانه بوده، مبارزه
در راه تحقق این خواست را وظیفه
مبهم خود می‌شمارند. ما تأکید می‌کنیم
که ادامه و گسترش این جنگ با منافع
دو کشور و در خلق متضاد است و در
خدمت تحقق مقاصد امپریالیسم،
صهیونیسم و ارتجاع قرار دارد. ادامه
و گسترش جنگ خطر مداخله این
نیروها را در امور داخلی تمامی
کشورهای منطقه به بهانه حراست از
"منافع حیاتی" شان افزایش می‌دهد.

تلاش رژیم ایران در تداوم
بخشیدن به جنگ، بر گرایش‌های توسعه
طلبانه استوار است. این کوشش متوجه
آن است که به خلق عراق نمونه رژیم
حاکم در ایران را به جای آلترناتیو
دموکراتیک که همه نیروها و احزاب
میهن پرست با استفاده از اشکال
مختلف از جمله مبارزه مسلحانه پمنا به
وسیله عده، بخاطر آن مبارزه
می‌کنند، تحمیل کند. خلق‌های عراق و
ایران نظام حکومتی خود را آزادانه و

متناسب با خواست و منافع خود و نیز
بر اساس حق حاکمیت و استقلال هر دو
کشور تعیین خواهند کرد.

ما تأکید می‌کنیم که ادامه جنگ
که منجر به صدها هزار کشته و مجروح و
معلول شده است، آسیب عظیمی به
اقتصاد و منابع هر دو کشور ایران و
عراق وارد کرده و به رژیم‌های حاکم
در دو کشور امکان داده است تا سیاست
ترور و امحای فیزیکی علیه همه نیروها
و احزاب دموکراتیک و همچنین
اقدامات ضد کمونیستی خود را تشدید
کنند. این سیاست در درجه اول به
زندگی زحمتکشان ضربه زده، همه
جوانب زندگی اجتماعی را مختل کرده
و به اشاعه فقر، بیکاری، و جنایت
منجر گردیده است.

با استفاده از جنگ ایران و
عراق، رژیم دیکتاتوری فاشیستی
میلیتاریستی ترکیه ترور خونین علیه
نیروها و احزاب ترقیخواه کشور را
تشدید کرد.

رژیم فاشیستی حاکم بر ترکیه
تحت فشار محافل ناتو، که در ادامه
جنگ ذینفع هستند، گرایش‌های
میلیتاریستی و جنگ طلبانه هر دو
طرف را تقویت می‌کند. این رژیم با
استفاده از ویژگی وضعیت جغرافیایی
خود نقش دلال مرگ را ایفا می‌نماید.

کمونیستهای هر سه کشور
پیگیرانه علیه دیکتاتوری و استبداد
مبارزه می‌کنند و خودمورد سخت‌ترین
و خونین‌ترین شکنجه، سرکوب و پیگرد
قرار دارند.

با ادامه مبارزه انقلابی در این
شرایط سخت و بغرنج، کمونیستها در
ضرورت مبارزه بخاطر اتحاد همه
احزاب و نیروهای ملی، مترقی و
دموکراتیک وحدت نظر دارند. آنها
مینا را بر این قرار می‌دهند که اتحاد
ابزار موثر تأمین اهداف مشترک و
استقرار رژیم دموکراتیک است.

احزاب ما بر آنند که جنبش
ملی کرد متحد مهم جنبش کمونیستی و
کارگری در این سه کشور محسوب
می‌شود.

مناسبات رزمنده جنبش ملی کرد
یا احزاب ما گسترش می‌یابد. در میان
وسیع‌ترین اقشار توده‌های خلق کرد
این اعتقاد که تحقق حقوق آنها در
ارتباط با دستیابی به آماج‌های جنبش
ملی، مترقی و دموکراتیک در کشور
تأمین می‌شود، تحکیم می‌یابد.

کمونیستها مدافعان سرسخت حقوق ملی
توده‌های خلق کرد هستند. مبارزه
برای این حقوق را می‌شود از مبارزه بر
علیه دیکتاتوری و استقرار رژیم
دموکراتیک تفکیک کرد.

احزاب ما معتقدند که تحکیم
مناسبات برادرانه بین آنها، هم خود
را در تقویت و همبستگی با مبارزه هر
یک از ما ادا کرده، مناسباتمان را با
احزاب کمونیست و کارگری کشورهای
منطقه، با نیروهای جنبش‌های بخش
عرب، مبارزه آنها بر علیه امپریالیسم
و صهیونیسم و بخاطر آزادی مناطق
اشغالی عربی، ایجاد امکان برای خلق
عرب فلسطین برای بازگشت به میهن و
حق تعیین سرنوشت و تأسیس کشور
مستقل فلسطینی، تحکیم می‌کند.

ما ضمن وحدت نظر حول مسایلی
که در برابر ما قرار دارد، مبارزه
مشترک خود را در راه خواسته‌های زیر
به پیش می‌بریم:

قطع فوری جنگ ایران و عراق بر پایه
راه حل عادلانه و دموکراتیک.

سرنگونی رژیم‌های دیکتاتوری و
استقرار رژیم‌های دموکراتیک بر پایه
خواست و اراده آزادانه مردم هر کشور
و برنامه جنبش نیروهای ملی و
ترقیخواه خود.

شرکت فعالانه در مبارزه خلق کرد
برای احقاق حقوق ملی در چارچوب
رژیم‌های دموکراتیک در هر کشور.

حمایت از مبارزه خلق‌های عرب در
آزادسازی مناطق اشغالی.

پشتیبانی فعال از افغانستان،
نیکاراکوه کامبوج و آنگولا، دفاع از
مبارزه خلق آفریقای جنوبی، شیلی و
السالوادور و دیگر خلق‌هایی که در راه
رهایی ملی مبارزه می‌کنند.

حمایت از ابتکارات صلح

اتحاد شوروی در بیانیه مورخ ۱۵
ژانویه ۱۹۸۶ که پیش از همه شامل
امحای تدریجی سلاح‌های هسته‌ای تا
سال ۲۰۰۰ و همچنین شرکت فعال در
مبارزه علیه خطر جنگ بخاطر حفظ صلح
و زندگی در جهان.

مبارزه برای اتحاد همه نیروها و
احزاب ملی، مترقی و دموکراتیک در
هر کشور.

مشارکت فعال در تقویت فعالیت و
رزم مشترک احزاب کمونیستی و
کارگری و ترقیخواه در منطقه و
همبستگی با مبارزه دیگر احزاب برادره

پیامهای احزاب برادر به مناسبت پانزدهمین سالروز بنیانگذاری سازمان

حزب کمونیست خلق های اسپانیا

رفقای عزیز!

گرمترین درودهای رفیقانه ما را در سالگرد بنیانگذاری سازمانتان بیدید تاریخ سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) هر چند از نظر زمانی کوتاه، اما بخاطر پشتیبانی و حضور فعالش بعنوان پیشتاز در مراحل انقلابی که منجر به سقوط رژیم ارتجاعی شاه گشت، بسیار درخشان و قابل ارج است. طبیعتا تمامی این تلاشها تنگاتنگ همراه با توده‌ها و اعتقاد به این واقعیت که تنها با شرکت گسترده خلق میتوان آزادی و استقلال را بچنگ آورد. در شرایط خیانته خمینی به آماجهای انقلاب شما همچنان در صف مقدم، برای سرنگونی این رژیم ارتجاعی و استبدادی که بهترین فرزند آن خلق ایران را شکنجه و آزار می‌دهد و بقتل می‌رساند می‌رزمید. و این در شرایطی است که اکثریت مردم در فقر بسر می‌برند.

اقدام شما همراه با حزب توده ایران برای "تشکیل جبهه متحد خلق ایران" تنها راه ممکن برای گسترده‌ترین اتحاد مردمی از کلیه نیروهای مترقی و دمکرات ایران برای پایان دادن به حاکمیت رژیم خونخوار خمینی است.

در این لحظات، نمای کشور شما در سایه ادامه جنگ ایران و عراق، جنگی که هر روز هزاران جوان را بکام خود می‌کشد و تنها در خدمت منافع امپریالیسم در منطقه می‌باشد بسیار وحشتناک است. این جنگ باید متوقف گردد و این تنها توسط اپوزیسیونی آگاه و مصمم از نیروهای خلقی که نتایج آنرا دیده اند، امکان پذیر است. هدف صلح، در این لحظات برای کلیه کمونیستها و نیروهای مترقی هدفی است عاجل، چرا که شرطی حیاتی برای پیشرفت خلقهای ما باشد.

رفقای عزیز!

مبارزه بخاطر صلح، استقلال ملی و سوسیالیسم راهی است بس دشوار، اما علی‌رغم تمامی این سختی‌ها، ما تردیدی نداریم که پیروزی نهائی از آن شما و خلق شماست.

همبستگی کامل ما را بپذیرید

کمیته مرکزی حزب کمونیست خلقهای اسپانیا

حزب کمونیست اسپانیا

رفقای عزیز!

به مناسبت پانزدهمین سالگرد بنیانگذاری سازمانتان حزب کمونیست اسپانیا گرمترین درودهای خود را به شما می‌فرستد و بار دیگر همبستگی خود را با مبارزه و آرمانهای شما مورد تاکید قرار می‌دهد.

تاریخ پر بار مبارزه سازمان شما، شرکت مسلحانه اش در انقلاب ۱۹۷۹ (که رژیم خمینی به اهداف ضد امپریالیستی، راهی ملی و اجتماعی آن خیانت کرد)، مبارزه شما به خاطر صلح و علیه سیاستهای ارتجاعی دولت اسلامی، فعالیت شاد و بحرکت در آوردن کارگران و نیروهای مترقی و... سازمان شما را بعنوان سازمانی آگاه و انقلابی مشخص می‌نماید و ما را بر آن می‌دارد تا بتوانیم حزب برادر به شما درود بفرستیم.

می‌خواهیم از فرصت پانزدهمین سالگرد بنیانگذاری سازمان شما استفاده کرده و خاطره فدائیان خلق رفقا محمدرضا غبرایی از رهبران فدائی و جهانگیر بهنجاری و تمامی کسانی که در رژیم خودکامه و مرتجع خمینی به وحشیانه‌ترین شکل شکنجه و شهید گشته اند را گرامی داریم.

با این پیام همبستگی به شما قول می‌دهیم که ادامه مبارزه بخاطر نجات جان رفیق انوشیروان لطفی را که جدأ در خطر است و دیگر مبارزان در بند را برای متوقف ساختن شکنجه و دستیابی به آزادی تمامی زندانیان سیاسی دمکرات و انقلابی ایران تشدید نمائیم.

همواره در مبارزه شما بخاطر صلح، علیه جنگ ویرانگری که به خلقهای ایران و عراق تحمیل شده و بخاطر برپایی رژیمی و ابعاد دمکراتیک، برای هموار ساختن راه دستیابی به هدف مشترکمان سوسیالیسم و کمونیسم در کنارتان هستیم.

بادرودهای رفیقانه کمیته مرکزی حزب کمونیست اسپانیا

به مناسبت پانزدهمین سالگرد ۱۶ بهمن، سالروز بنیانگذاری سازمان پیش از ۲۰۰ پیام تبریک و همبستگی از سوی احزاب کمونیست و احزاب و سازمانهای دمکرات و مترقی برای سازمان ما ارسال گشت. در شماره‌های گذشته نشریه اکثریت برخی از این پیام ما درج گردید. اینک به درج چند پیام دیگر می‌پردازیم.

حزب دمکراتیک خلق افغانستان

رفقای ارجمند!

کمیته مرکزی حزب دمکراتیک خلق افغانستان به نمایندگی از تمام اعضای حزب و مردم انقلابی جمهوری دمکراتیک افغانستان بزرگداشت ۱۵-مین سالروز تاسیس سازمان قهرمان فداییان خلق ایران (اکثریت) را به شما و از طریق شما به تمام اعضای رزمنده و دلیر سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)، نیروهای انقلابی، صلح دوست و ترقیخواه و همه زحمتکشان ایران صمیمانه شادباش می‌گوید. حزب دمکراتیک خلق افغانستان و زحمتکشان کشور ما با تاریخ سراسر مشحون از نبرد قهرمانانه سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) آشنایی کامل داشته و برای آن ارج فراوان قابل می‌باشند.

رفقای عزیز!

امسال در شرایطی ۱۵-مین سالروز بنیان گذاری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) تجلیل می‌گردد، که نیروهای راستگرای خائن و مرتجع حاکم ایران باخوش خدمتی آشکار در برابر نیروهای امپریالیستی سرکوب و وحشیانه ای را علیه همه نیروهای وطن‌پرست و مترقی در پیش گرفته و شرایط ترور و اختناق را در سراسر ایران مسلط ساخته است.

ما عمیقاً معتقد هستیم که مردم ایران در برابر توطئه‌ها و دسائیس امپریالیستی و ارتجاعی مغلوب نخواهد شد و بالاخره روز مسعود پیروزی پر تاریکی، جهالت و خیانت جباران را جشن خواهند گرفت...

رفقای ارجمند!

حزب دمکراتیک خلق افغانستان معتقد است که با ایجاد جبهه متحد خلق متشکل از همه نیروهای صلح دوست، ملی، ترقیخواه و وطن‌پرست ایران می‌توان و باید به پیروزی دست یافت.

در چنین شرایطی حاکمیت مردمی و مردم جمهوری دمکراتیک افغانستان با قاطعیت و استواری از مبارزات قهرمانانه ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی خلق ایران پشتیبانی می‌کنند و در کنار نیروهای انقلابی و مترقی ایران، بخصوص گردان های پیشگام و هم‌رزم خلق ایران یعنی حزب توده ایران و سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) قرار دارند.

کمیته مرکزی حزب دمکراتیک خلق افغانستان در حالی که یک بار دیگر پانزدهمین سالروز تاسیس سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) را به خلق زحمتکش و همه نیروهای انقلابی ایران تهنیت می‌گوید، همبستگی بیکارچویانه خود را با مبارزات قهرمانانه خلق ایران ابراز می‌دارد.

زنده باد دوستی برادرانه و ریشه دار تاریخی بین خلق های ایران و افغانستان! فرخنده باد پانزدهمین سالروز بنیانگذاری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)!

بادرودهای گرم و رفیقانه حزب دمکراتیک خلق افغانستان

حزب کمونیست یونان

کمیته مرکزی حزب کمونیست یونان به مناسبت پانزدهمین سالگرد بنیانگذاری سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به شما صمیمانه و رزمجویانه درود می‌فرستد. کمونیستهای یونان همبستگی مبارزاتیشان را با نبرد سختی که امروز مردم ایران به پیش می‌برند، اعلام می‌دارند.

ما برای شما رفقای عزیز در مبارزه ای که در شرایط تروریسم خشن و شکنجه و اعدام هزاران میهن پرست بدست ارکانهای سرکوبگر رژیم ایران پیش می‌برید و در نبردها که معطوف به اتحاد همه نیروهای ملی و مترقی، آزادی فوری و بی قید و شرط همه زندانیان سیاسی، تحقق اهداف انقلاب ملی-دمکراتیک و پایان دادن به جنگ ایران و عراق است که تداوم آن تنها به سود امپریالیسم و ارتجاع داخلی است، آرزوی موفقیت داریم.

بادرودهای رفیقانه کمیته مرکزی حزب کمونیست یونان

خمینی، جنگ برای همیشه

حمله جنایتکارانه عراق
به پالایشگاه اصفهان

روز سه شنبه ۲۷ اسفندماه رژیم عراق اعلام کرد که نیروی هوایی آن کشور به پالایشگاه اصفهان حمله کرده است. حمله جنایتکارانه نیروی هوایی رژیم عراق به پالایشگاه اصفهان باعث کشته و مجروح شدن عده زیادی از کارگران و پرسنل این پالایشگاه گشت و همچنین خسارات زیادی به بار آورد. لازم به تذکر است که پالایشگاه اصفهان، در پی بمباران و از کار افتادن مطلق پالایشگاه آبادان در تولید و تصفیه فراورده‌های نفتی از موقعیت خاصی برخوردار بوده است. نیروی هوایی جمهوری اسلامی نیز اعلام کرد که کارخانه ذوب آهن العماره عراق را بمباران کرده است. این خبر از سوی رژیم عراق تکذیب شد و عراق ادعا کرد که حمله جنگنده‌های جمهوری اسلامی نه علیه کارخانه ذوب آهن، بلکه علیه مناطق مسکونی حوالی شهر العماره بوده است.

بانک مشترک ترکیه، پاکستان و ایران

خبرگزاری پاکستان اعلام کرد که سه کشور جمهوری اسلامی ایران، پاکستان و ترکیه در چارچوب احیای بیمان عمران منطقه‌ای تحت عنوان شورای همکاری اقتصادی (ا.ک.و) در صدد هستند یک بانک مشترک ایجاد نمایند. این تصمیم در جلسه دو روزه هیات‌های سه کشور در اسلام‌آباد اتخاذ شده است. خبرگزاری پاکستان علت تشکیل این بانک را تأمین منابع مالی لازم برای تولید فراورده‌های مشترک سه کشور اعلام کرده است.

جلسه اوپک به حالت تعلیق در آمد

در آخرین روزهای سال گذشته وزرای نفت کشورهای عضو اوپک، در ژنو تشکیل جلسه دادند. بنا بر اخبار رسیده اجلاس اخیر اوپک بی‌آنکه به تصمیم واحدی نائل آید، خاتمه پذیرفته و تصمیم پیرامون چاره‌جویی در مقابله با کاهش جدی قیمت نفت به اجلاس بعدی موکول شده است.

رسانه‌های دولتی جمهوری اسلامی ضمن انعکاس خبر تشکیل اجلاس فوق در ژنو، گزارش دادند که آقازاده وزیر نفت رژیم با وزیر نفت عربی، نیجریه و اندونزی ملاقات و گفتگو کرده است. در ملاقات آقازاده با وزیر نفت نیجریه از کاهش مستمر قیمت نفت در بازارهای جهانی، اظهار نگرانی شد و وزیر نفت نیجریه پیش‌بینی کرد که هرگاه اوپک موفق به اتخاذ تصمیم موثری نکرده، قیمت نفت حتی تا کمتر از بشکه‌ای ده دلار نیز کاهش خواهد یافت. پیش از این وزیر نفت کویت نیز از خطر سقوط قیمت نفت تا بشکه‌ای هفت دلار سخن گفته بود.

در هفته گذشته همچنین گزارش از افزایش مختصر قیمت نفت در بازار جهانی منتشر شد، اما ناظرین اعتقاد دارند که این افزایش معلول نوسانات معمول موجود در قیمت‌ها بوده و به هیچ وجه خطر نگران‌کننده کاهش هر چه بیشتر قیمت نفت را منتفی نمی‌کند.

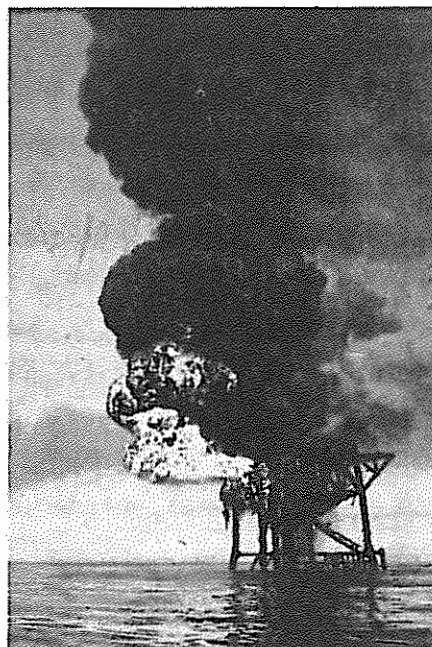
در آن شرایطی که دشمنان قصد انجام کودتا را داشتند ... این سخن امام بیانگر این است که شرایط امروز دفاع از اسلام بسیار حساس است و باید همه برادران و خواهران با همه توان و قوتی که دارند در جنگ شرکت کنند. "رضایی از ترمزهایی سخن گفت که توسط دشمنان و برخی از مسئولین رژیم در مقابل جنگ و حکومت ایجاد شده است.

پس از سخنان خمینی همه دوایر و نهادهای دولتی و تابعه با انتشار بیانیه‌هایی بر آتش جنون جنگ طلبی افزودند و برای اعزام وسیع نفرات به جبهه به تکاپو افتادند. رسانه‌های گروهی رژیم نیز به تبلیغات جنگ افروزان‌شان ابعاد کم سابقه‌ای داده‌اند.

خمینی علاوه بر این سخنان، طی حکم تازه‌ای که برای گروهی سرپرست "بنیاد شهید" صادر کرد وعده داد امکانات تازه‌تری در اختیار بازماندگان کشته شدگان جنگ قرار خواهد گرفت. مواعید تازه خمینی کوششی است که به منظور کشاندن افراد به جبهه صورت می‌گیرد، امری که امروزه برای رژیم جمهوری اسلامی بسیار دشوار شده است.

حمله به کشتی‌های پاری و نظامی در خلیج شدت یافت

مورد حمله قرار داده است. علاوه بر این، این رژیم اعلام داشت که نیروی هوایی آن کشور بار دیگر جاه‌های حوزه نفتی ترووز را به آتش کشیده است. این حوزه نفتی در گذشته نیز توسط هواپیماهای عراقی بمباران شده و تاسیسات استخراجی آن تخریب گردیده بود. جمهوری اسلامی چندی پیش با صرف هزینه بسیار موفق به مرمت آن شد. عکس این صفحه یکی از جاه‌های این حوزه را پس از حمله پیشین هواپیماهای عراقی نشان می‌دهد.



تبلیغات و تدارکات جنگ در دو هفته گذشته به حد بی‌سابقه‌ای افزایش یافت و با نطق خمینی به مناسبت سال نو وارد فاز جدیدی شد. خمینی که آشکارا از گسترش مخالفت با جنگ هراسان بود، در سخنان خود بر استمرار جنگ تأکید فوق‌العاده‌ای نمود و کسانی را که به مخالفت با جنگ می‌پرداختند، مورد تهدید قرار داد. خمینی تأکید نمود که باید همه کسانی که توان سلاح گرفتن دارند به مسلخ‌گاه جنگ اعزام گردند. خمینی تصریح کرد که مسئولین دولتی نباید به قطع جنگ بپندیشند. وی خواستار شد که جنگ باید شدت و گسترش بیشتری یابد. نطق خمینی بار دیگر و به مراتب بیشتر از پیش بر جنون جنگ طلبی و جنگ افروزی سران رژیم افزود. نخست‌وزیر با اشاره به "فرمان خمینی" تأکید نمود که در سال ۶۵، همه چیز در خدمت جنگ خواهد بود و تمام تلاش مسئولین در اولویت بخشیدن به جنگ خلاصه خواهد شد. محسن رضایی فرمانده سپاه پاسداران نیز پس از سخنان خمینی، اظهار کرد که خمینی تنها در شرایط و مواقع بسیار حساس که جمهوری اسلامی در خطر باشد چنین سخنانی ایراد می‌نماید. وی گفت: "شبهه این سخنان امام در چند نقطه حساس دیده‌ایم و

در دو هفته گذشته دو رژیم جمهوری اسلامی ایران و عراق همه روزه اخباری از حملات هوایی و دریایی خود منتشر کردند. رژیم جمهوری اسلامی ادعا کرد که در این مدت چند فروند هواپیمای جنگی و هلی‌کوپتر توپدار عراقی را سرتگون کرده و تعداد هواپیماهای سرتگون شده عسراق از ابتدای عملیات والفجر ۸ تا کنون بالغ بر ۷۲ فروند شده است. اما با اتکا بر گزارشات و اخبار رسیده، می‌توان گفت که جبهه‌های جنگی و به ویژه دو حوزه عملیاتی والفجر ۸ و ۹، در این مدت نسبتاً آرام بوده و حمله گسترده‌ای گزارش نشده است. تنها رژیم عراق در هشت فروردین مدعی شد که چهارده ارتفاع استراتژیک را در ناحیه کردستان عراق از جمهوری اسلامی پس گرفته است. این ارتفاعات از سال ۶۲ در تصرف جمهوری اسلامی بوده است.

قرارگاه خاتم‌الانبیاء که فرماندهی عملیات مشترک سپاه و ارتش را بر عهده دارد گزارش کرد که روز هشت فروردین یک کاروان دریایی متشکل از چند ناو و ناوچه که سلاح حمل می‌کردند برای کمک به نیروهای رژیم در منطقه عملیاتی والفجر ۸، اعزام آن منطقه شده است.

در مقابل سختکوی نظامی رژیم عراق اعلام کرد که نیروی هوایی آن کشور به چند ناو و ناوچه جمهوری اسلامی در نواحی شمالی خلیج فارس حمله کرده است. تاکنون خبری از میزان صحت این ادعای عراق گزارش نشده است.

جمهوری اسلامی همچنین اعلام کرد که در آخرین روزهای اسفندماه، موفق شده است چند ناو و ناوچه عراقی را از کار بیاندازد. سرفرماندهی ارتش عراق نیز گزارش کرده است که طی چند روز اخیر، حداقل دو نفتکش بزرگ را در حوالی سواحل ایران

اخباری از مبارزات کارگران کشور

* در ماه‌های آذر و دی در کشت و صنعت مغان چندین اعتصاب صورت پذیرفت اولین اعتصاب از روز ۱۷ آذر آغاز شد. در این روز کارگران بخش باغات میوه که پیش از ۸۰۰ نفر هستند دست از کار کشیدند. دریافت دستمزدهای عقب افتاده، حق لباس و عیدی و پاداش سالهای ۶۲ و ۶۴ و برخی مطالبات دیگر بعنوان خواسته‌های اعتصاب عنوان شد اعتصاب پس از سه روز و با دستیابی کارگران به برخی مطالباتشان و گرفتن قول اجرای بقیه خواسته‌ها پایان یافت.

پس از مشاهده امتناع مسئولین از اجرای قول و قرارهای خویش، کارگران مجدداً در روز ۲۶ آذر ماه اعتصاب را از سر گرفتند. این اعتصاب گسترش یافت و کارگران بخشهای متعددی از کشت و صنعت مغان منجمله کارگران امور زارعی (بخش‌های ۱-۲-۳-۴-۵-۶-۷-۹) در آن شرکت نمودند. اعتصاب تا چند هفته ادامه یافت و علیرغم همه اقدامات تفرقه افکنانه مسئولین با برآورده شدن بخش دیگری از خواسته‌های کارگران، در دی ماه پایان یافت.

* کارگران دخانیات، در اعتراض به کاهش سهمیه سیگارشان در اواسط دی ماه دست از کار کشیدند. این اعتصاب با موفقیت و پس از دریافت سهمیه سیگار توسط کارگران، پایان یافت.

* اعتراض جمعی کارگران و کارمندان کارخانه پالایش روغن تهران (اسو) نسبت به نحوه اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل باعث کردید که اجرای آن متوقف شده و طرح به وزارت کار بازپس فرستاده شود.

قتل دو کشاورز توسط مامورین رژیم

اراضی منطقه تازه‌کند آنکوت در شهرستان گرمی در زمان انقلاب توسط دهقانان مصادره شده و به زیر کشت رفته بود و دو فئودال این منطقه احمدخان و کریم‌خان فرزانه نیز زندانی شدند.

مدتی پیش مجدداً این دو فئودال به همراه گروهی ژاندارم وارد روستای جلدک شدند و از دهقانان خواستند اراضی مصادره شده را رها سازند. کشاورزان علیرغم تهدیدات فئودالها حاضر به ترک زمینهای خود نشدند. ژاندارمان نیز به دستور کریم‌خان و احمدخان به دهقانان حمله ور شده و آنان را بشدت مذبذب ساختند. در پی مقاومت دهقانان و دفاع آنان از حق مسلم خود، مامورین حکومت وحشیانه بر روی دهقانان آتش کشیدند و دو نفر از آنها را کشتند و عده زیادی را مجروح ساختند بیش از ده نفر از دهقانان مبارز نیز دستگیر و زندانی شدند. در پی این ددمنشی‌ها، باقیمانده مردان این روستا ناچار به ترک زاد و بوم خود شده‌اند. با وجود این زنان روستائی هم چنان در برابر فئودالها مقاومت می‌کنند و حاضر نشده‌اند کشتزارهایشان را رها سازند.

تجمع روستائیان

روز ۱۸ دی ماه دهقانان روستای خانقاه سفلی از توابع بخش نمین اردبیل بمنظور هماهنگ ساختن مبارزات خود اجتماعی تشکیل دادند. مدتی است که اداره جنگلداری اردبیل قصد تصرف بخشی از اراضی این روستا را دارد و مدعی است این اراضی جزو مراتع منطقه است. در برابر مقاومت دهقانان مامورین دولتی تاکنون کاری از پیش نبرده‌اند.

اعتصاب

انترن‌های بیمارستان‌های تبریز

حدود ۲۰۰ نفر از انترن‌های بیمارستان‌های تبریز (دانشجویان سال آخر پزشکی) به خاطر خواست افزایش حقوق و اعتراض نسبت به رفتار زشت مسئولین دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب که در روز ۱۶ دی ماه آغاز شد پس از سه روز با گرفتن قول رسیدگی به خواسته‌های انترن‌ها به پایان رسید. اتحاد عمل انترن‌ها هراس شدیدی در میان مسئولین رژیم ببار آورد.

تظاهرات در میناب

قتل دو تن از اهالی شهرستان میناب توسط اشرار افغانی تظاهرات ضد دولتی گسترده مردم را در پی داشت. در این تظاهرات که در روز ۱۹ بهمن انجام یافت مردم با ابراز نفرت از ضد انقلابیون افغانی علیه امام جمعه شهر و دیگر مسئولین محلی شعار می‌دادند. برای برکناره ساختن مردم سپاه پاسداران اقدام به تیراندازی و دستگیری عده زیادی از تظاهرکنندگان کرد اما هیچگونه توفیقی در متفرق ساختن آنان نیافت و درگیری‌های متعددی بین مردم و سرکوبگران رژیم بوقوع پیوست. سپاه پاسداران ناچار شد در بعداز ظهر همانروز اشرار افغانی را جمع‌آوری و از شهر خارج نماید. پس از این اقدام تظاهرات پایان یافت.

اعتراض جمعی مردم علیه جنایات اشرار افغانی از مناطق دیگر کشور و از جمله از شهرهای شمالی نیز گزارش شده است.

تظاهرات دست‌فروشان بندرعباس

حدود ۱۵۰۰ نفر از دستفروشان شهر بندرعباس که از آزار و فشارهای شهرداری به تنگ آمده بودند در روز ۱۸ آذرماه اقدام به راهپیمایی کردند. آنان در تظاهرات خویش ضمن طرح خواسته‌هایشان علیه مسئولین دولتی شعار می‌دادند. این حرکت اعتراضی با استقبال مردم بندرعباس مواجه گردید.

لازم به یادآوری است که در همه شهرهای کشور تعداد دستفروشان خرده‌پا افزایش بی‌سابقه‌ای یافته است. زحمتکشان بیکار با پهن کردن بساط مختصری در کنار خیابان می‌کوشند امرار معاش نمایند. شهرداری تلاش می‌ورزد آنان را از این کار بازدارد.

مالیات جدید برای مغازه‌داران

به دنبال وخامت اوضاع مالی دولت، فشار بر کسبه و دکانداران نیز افزایش یافته است. بطور مثال شهرداری اصفهان دکانداران را ملزم به پرداخت عوارض تازه‌ای ظاهراً برای نوسازی شهر ساخته است. این امر اعتراضات آنها را در پی داشت. دریافت این عوارض در مورد دکانداران محلات فقیرنشین با جدیت دنبال می‌شود. بعنوان نمونه در خیابان لوله‌شهر در منطقه بادکاندارانی که از پرداخت عوارض سرباز زده بودند بشدت برخورد کرد و در چندین مورد اقدام به دیوارکشی در جلو مغازه آنان نمود.

جمعیت کشور از مرز ۴۳ میلیون نفر گذشت

سالنامه آماری سال ۱۳۶۲ از سوی مرکز آمار جمهوری اسلامی منتشر شد. بر اساس آمار ارائه شده در این سالنامه آماری، جمعیت کشور به ۴۳ میلیون و ۴۰۰ هزار نفر بالغ شده است که از آن بین ۲۲/۴ میلیون نفر در شهرها و مابقی در روستاها سکونت دارند. در این سالنامه تعداد جمعیت فعال کشور در سال ۱۳۶۲، ۱۲/۵ میلیون نفر عنوان شده و ادعا گردیده است که از این میان تنها ۱/۹ میلیون نفر بیکار می‌باشند. مرکز آمار، تعداد ایرانیانی را که در سال ۱۳۶۲ از کشور خارج شده‌اند، ۸۵۲ هزار نفر اعلام کرده است که ۴۶۰ هزار نفر بیشتر از سال ۱۳۶۱ می‌باشد. روزنامه اطلاعات مورخ ۲۷ اسفندماه ۶۴ که خبر فوق را منتشر ساخته بود، هیچ‌گونه آماری از تعداد ایرانیان وارد شده به کشور ارائه نداد. در ضمن بر اساس آمار این سالنامه میزان واردات جمهوری اسلامی ۱۵۸۲ میلیارد ریال و میزان صادرات غیر نفتی در همان مدت ۲۱ میلیارد ریال اعلام شده است.

اعتراض ساکنین مجتمع فرهنگیان

۱۵۰۰ معلم ساکن شهرک فرهنگیان غرب تهران با تجمع در محل شرکت پیمانکار این واحدهای مسکونی، نسبت به عدم وجود امکانات رفاهی دست

به اعتراضی زدند. گفته می‌شود که در اسفندماه سال ۶۲، ۵۰۰ واحد مسکونی از سری سوم شهرک فرهنگیان غرب تهران بطور ناقص به خانواده‌های فرهنگیان تحویل شده است که اهالی این شهرک از همان ابتدا از تمام خدمات عمومی و رفاهی چون آب و برق محروم بوده‌اند و با بطور ناقص استفاده می‌کردند. سطح پائین آبمی در سیستم برق رسانی، تاکنون باعث سوختگی شدیدی تن از اهالی شهرک شده است.

اخبار کوتاه

* در روزهای آخر سال ۶۴ گرانی کالاهای ویژه گرانی میوه‌ها و سبزیجات پیدا کرد. پناهه گزارش نشریه اطلاعات، نارنگی کیلویی ۶۰۰ ریال، انار کیلویی ۵۰۰ ریال، و پرتغال کیلویی ۴۰۰ ریال در بازار عرضه شده است. این در حالی است که گزارش‌های رسیده خیر از کمیوهای فزاینده و گرانی بی‌حساب ارزاق عمومی می‌دهند.

* مقتدایی عضو و سخنگوی شورای عالی قضایی در یک مصاحبه مطبوعاتی و رادیو، تلویزیونی از تغییرات تشکیلات قضایی سخن گفت. وی اعلام کرد که کلیه تشکیلات دادگاه‌های عمومی و حقوقی و صلح صلح مستقل از این تاریخ (۲۲ اسفندماه) منحل اعلام می‌شوند. وی همچنین اظهار داشت که شورای عالی قضایی، تشکیل سازمان تشکیلات قضایی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی را تصویب کرده است.

بیکار برای نجات جان زندانیان سیاسی

تاکنون صداهای تن از شخصیت های نامی سیاسی و اجتماعی در کشورهای گوناگون جهان با امضای کارتهایی به دفاع از جان فدائیان در بند منجمله رفیق انوشیروان لطفی و دیگر انقلابیون میهن ما برخاسته اند

مادر شماره های پیشین "اگریت" اسامی برخی از این شخصیت های انسان دوست را به چاپ رساندیم. در این شماره نیز اسامی تعداد دیگری از آنان را درج می کنیم.

بین اعدام شدگان رضی الدین تاپیان و محمدرضا غبرایی از مسئولین بالای سازمان فداییان خلق ایران و نیز تعدادی از فعالین و هواداران دیگر سازمانهای ترقیخواه به چشم می خورد. اتحادیه شـژت در "لوار-آتلانتیک" اعدام زندانیان سیاسی به جرم دگراندیشی را محکوم می کند.

* دفتر حزب کمونیست فرانسه در شهر آوبینیون، تلگرام زیر را که متن آن در روزنامه "مارسیز" ارگان حزب در ایالات جنوب شرقی این کشور به چاپ رسید، برای سفارت رژیم خمینی در پاریس ارسال داشت، "پامحکوم کردن اعدام رهبران فدایی، خواستار نجات جان انوشیروان لطفی و آزادی همه زندانیان سیاسی در ایران هستیم."

* فدراسیون حزب کمونیست فرانسه در استان لوار-آتلانتیک (مرکز، نانت) نیز با ارسال پیام مشابهی بر آزادی میهن پرستان اسپر در ایران تاکید ورزیده اند.

* کمیته همبستگی ضد امپریالیستی با آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین در شهر اشتوتگارت آلمان فدرال با ارسال نامه ای برای سفارت جمهوری اسلامی درین، به جنایات رژیم ارتجاعی خمینی در زندانها از جمله اعدام فداییان خلق رفا غبرایی، تاپیان و بهتاجی شدیداً اعتراض نمود.

* سازمان های حزب کمونیست آلمان در شهرهای وویرتال، اشتوتگارت و توپینگن طی نامه های جداگانه ای به اعدام کادرها و رهبران سازمان ما اعتراض کرده، خواستار آزادی زندانیان سیاسی ایران منجمله رفیق انوشیروان لطفی گردیدند.

* در اعتراض به کشتار وحشیانه فداییان خلق، از سوی سازمان دمکراتیک زنان آلمان-شاخه بن نامه ای تنظیم شد که به امضای حزب کمونیست آلمان-بن حزب سوسیال دمکرات آلمان-بن، سازمان عفو ببین الملل-بن، سازمان دانشجویان حزب کمونیست آلمان-بن، جنبش صلح، بن و شرکت کنندگان کنفرانس صلح درین... رسید.

در بخشی از این نامه ضمن اشاره به بربریت رژیم خمینی آمده است، "ما) علیه نقض حقوق بشر اعتراض کرده و از جمهوری اسلامی می خواهیم این اقدامات ضد انسانی خاتمه دهد."

* حزب کمونیست آلمان-نورنبرگ، حزب سبزها، انجمن دوستی آلمان-ویتنام، انجمن دوستی آلمان-کوبا، کمیته صلح منطقه گوستن هوف، کمیته ضد نئونازیسم، گروه جنبش ضد آپارتاید و گروه زنان علیه نظامیکری، در نورنبرگ، با امضای متنی کشتار صدویست تن از زندانیان سیاسی ایران را محکوم نمودند.

این نیروها همچنین خواهان گسترش کارزار جهانی علیه اعدام فرزندان مبارز خلق که در شکنجه گاههای رژیم خمینی تحت وحشیانه ترین فشارهای جسمی و روحی قرار دارند، شده و بویژه برخاست لغومجازات اعدام برای "انوشیروان لطفی" تاکید کردند.

* حزب کمونیست کارگران اسپانیا در ابراز تنفر از وحشیگری های رژیم آزادی کش خمینی، بیانییه ای با عنوان "همبستگی با مبارزه مردم ایران" صادر نمود که متن کامل آن همراه با عکس فدایی خلق رفیق انوشیروان لطفی در نشریه "اتحاد و مبارزه" ارگان مرکزی حزب درج گشت. بیانییه مزبور برای خامنه ای و سفیر جمهوری اسلامی در اسپانیا ارسال شد. متن بیانییه حزب چنین است، "حزب کمونیست کارگران اسپانیا آزادی هر چه سریعتر انوشیروان لطفی و همچنین تمامی مبارزین دمکرات زندانی توسط رژیم جمهوری اسلامی ایران را طلب می کند و بار دیگر نسبت به شیوه های وحشیانه سرکوب و شکنجه که بر خلق ایران و مبارزین راه آزادی اعمال می شود اعتراض می کند.

ایمان را بخ دریم که خلق ایران آزادی هم اکنون به یغما رفته اش را دگر باره بدست خواهد آورد و یقیناً جنایت اخیر آتش خشم و کینه هزاران رزمنده

سخرالد وایگلسیاس، دبیر اول حزب کمونیست اسپانیا- (برای دومین بار) -سیمون سانچز مونترو، مسئول روابط بین الملل حزب کمونیست اسپانیا - اتریکه کوریل، معاون دبیر اول حزب کمونیست اسپانیا، شاعر و برنده جایزه ادبی اسپانیا در سال ۱۹۸۴ -مارکوس آنا، شاعر و نویسنده انقلابی اسپانیا که ۲۲ سال در زندان های فرانکو بسر برد.

-خوزه ساندویال مسئول نشریه موند و اوبرو -گریگوریو لویز ریموند، نماینده مجلس از حزب کمونیست اسپانیا -اوراسیو فرناندز انیکوانزو، نماینده مجلس از حزب کمونیست اسپانیا -رافائل آلبرتی شاعر بزرگ اسپانیایی و برنده جایزه ادبی سروانتس -فرناندو پیرزویو، سخنگوی حزب کمونیست اسپانیا در پارلمان اسپانیا -خولیو آنکیتا، شهردار کوردوبا-اسپانیا -سچورجوس میخالیروس، دبیر اول اتحادیه بین المللی دانشجویان -هاری رورا، رئیس فدراسیون ملی دانشجویان نپال -فام وام دین معاون رئیس اتحادیه بین المللی دانشجویان -ژوزه سانفونته، دبیر کل جبهه دمکراتیک توده ای شیلی -خوزه سان فوان تس، دبیر کل جنبش دمکراتیک مردمی شیلی -سماریوناوارو، عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست شیلی -سرژیو اورتگا، آهنگساز و کمونیست برجسته شیلیایی -لیویو کونزالس، عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست پاراگوئه -کیش رافائل مارتو مشاور اول جبهه دمکراتیک توده ای شیلی -ژاک رالیت عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه و وزیر سابق بهداشتی -ژان پل دوپارک، عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه -هریش راوات، عضو پارلمان هندوستان -دن پن گوش، عضو پارلمان هندوستان -ان. سی. راناواری، منشی عمومی سازمان صلح و همبستگی هند-ایالت کارناتاكا -ام. سی. ونکات راما، دبیر حزب کمونیست هند در ایالت پنکر -وی. ان. ونکات، رئیس اتحادیه کارگری "کیسان سانگ" -رفیق پرکاش مسئول سازمان صلح و همبستگی هند-ایالت پنجاب -سپنج تن از نمایندگان پارلمان دانمارک -کلیه اعضای انجمن شهر آرهوس در دانمارک

علاوه بر این سازمانها و ابراز داشته و خواستار نجات جان شخصیت های مترقی و آزادیخواه زندانیان سیاسی ایران گردیدند. در بسیاری به اشکال دیگر انزجار خود را زیر برخی از گزارشات واسله در این از ددمنشی های رژیم جمهوری اسلامی زمینه را درج می کنیم.

* فدراسیون حزب کمونیست فرانسه در ایالت وی ان (مرکز، پواتیه)، فدراسیون ایالتی اتحادیه شـژت در ایالت وی ان (مرکز پواتیه) و کی پوس عضو کمیته مرکزی و دبیر حزب کمونیست فرانسه در شهر بزائسون با امضای متن اعتراضی در محکوم نمودن اعدام رهبران اسپر سازمان در ماههای اخیر، و با خواست آزادی همه زندانیان سیاسی ایران، متذکر گردیدند، نگرانی عمیق خود را نسبت به خطر مرگ که جان انوشیروان لطفی عضو مشاور هیئت سیاسی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)، میهن پرست شجاع و پرشور و مبارز راه دمکراسی و عدالت اجتماعی در ایران را تهدید می کند ابراز می داریم."

* اتحادیه کارگری شـژت در استان لوار-آتلانتیک (مرکز، نانت) در پی انتشار خبر اعدام های اخیر اظهاریه ای منتشر ساخت که در آن آمده است، "در

صدور بیانیه در ابراز انزجار از تبهکاریهای رژیم خمینی

میتینگ همبستگی با زندانیان سیاسی ایران در هند

بیش از هزار و صد تن از اعضا و مسئولین حزب کمونیست آلمان و سازمان‌های جوانان و دانشجویان این حزب، اتحادیه کارگران بازنشسته، مسیحی‌ها برای سوسیالیسم، اتحادیه دانشجویان و دانشمندان یونانی - آستا، اتحادیه ضد فاشیست‌ها در مونیخ، سازمان عفو بین‌الملل - مانهایم، کمیته آمریکای لاتین - ماریبورگ، حزب سیزها - آکسبورگ، اتحادیه دانشجویان مارکسیست در آکسبورگ، وویترتال و ماریبورگ، سازمان جوانان کارگر سوسیالیست آلمان در آکسبورگ و وویترتال، پرفسور دکتر ک. ه. تیادت از دانشگاه کاسل و دکتر ریچارد کومیف از بنیاد مارکس و انگلس و چندین سازمان مترقی و شخصیت انساندوست دیگر فراخوانی را امضا کرده‌اند که در آن با استناد به اطلاعیه‌های نمایندگی کمیته مرکزی سازمان در اروپا پیرامون اعدام فداییان خلق محمدرضا غبرائی، رضی‌الدین تاپان،

جهانگیر بهتاجی و... رژیم جمهوری اسلامی شدیداً محکوم شده است. در قسمتیایی از این فراخوان چنین می‌خوانیم، "تنها جرم این میهن پرستان مبارزه بخاطر آزادی، صلح و عدالت اجتماعی برای خلقهای تحت ستم ایران و افشای چهره کریه و بربرمنشانه رژیم جمهوری اسلامی بوده است. این فشارها، شکنجه‌ها و اعدام‌ها نه تنها در مورد اعضای سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) بلکه در مورد تمام نیروهای میهن پرست و دمکراتیک انجام می‌گیرند." امضا کنندگان این بیانیه در پایان نوشته‌اند، "ما... زندانی کردن، شکنجه و اعدام و فعالین سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) را محکوم می‌کنیم و خواهان آزادی بدون قید و شرط انوشیروان لطفی و سایر زندانیان سازمانهای مترقی و نیروهای مردمی در ایران هستیم."

به دعوت سازمان صلح و همبستگی سراسری هندوستان (A.I.P.S.O) و شرکت فعال فداییان خلق و توده‌ای‌ها در هند و بایاری فداسیون ملی نویسندگان مترقی هند، روز ۲۲ بهمن در دفتر سازمان صلح و همبستگی سراسری هندوستان در دهلی، میتینگ به مناسبت هفتمین سالگرد انقلاب بهمن و همبستگی با زندانیان سیاسی منجمله شعرا و نویسندگان در بند ایران برگزار گردید. شرکت وسیع شخصیت‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی هند و حضور نمایندگانی از نمایندگی‌های اتحاد شوروی، ویتنام و نماینده کنگره ملی آفریقا و همچنین میهمانان فلسطینی در این مراسم، گویای همبستگی نیروهای پیشرو هندوستان و سایر نقاط جهان با مبارزه دلاورانه مردم ایران در راه آزادی و استقلال بود.

در این میتینگ که بمناسبت هفتمین سالگرد انقلاب بهمن و یا هدف اعلام پشتیبانی از زندانیان سیاسی میهن ما تشکیل شده بود، چند سخنرانی انجام گرفت. اولین سخنران دکتر اجمل اجملی رهبر فداسیون ملی نویسندگان مترقی هند بود که در بخشی از سخنان خود چنین گفت، "شاه در ۱ فوریه ۱۹۷۹ با انقلاب شکوهمند مردم سرنگون شد. مردم آرزو داشتند که پس از او به خواستهایشان دست یابند اما متأسفانه رژیم خائن خمینی آرزوهای

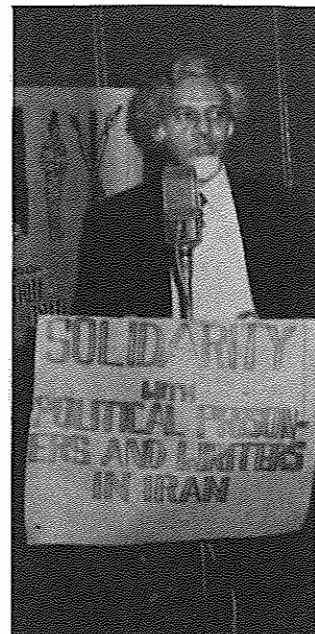
مردم را نقش بر آب کرد." از دیگر سخنرانان این گردهم‌آبی موزی مولا نماینده کنگره ملی آفریقا در هند بود که همبستگی خود و دیگر انقلابیون آفریقای جنوبی و مردم این کشور را با خلق ایران و زندانیان سیاسی کشورمان ابراز داشت. بدنیال وی، نماینده‌ای از سوی فداییان خلق و توده‌ای‌ها به تشریح وضعیت هولناک زندان‌های ایران و ابعاد جنایات رهبران جمهوری اسلامی پرداخت.

آخرین سخنران این میتینگ پروفیسور رشیدالدین خان شخصیت نامی هند و رئیس سازمان صلح و همبستگی هندوستان بود. وی در قسمت‌هایی از سخنان خود گفت، "ما امروزه نمایندگان این انقلاب درود فرستاده و خائنان به آن را محکوم می‌کنیم... ایران برای ما سمبل یک فرهنگ غنی و مترقی طی چند قرن است... من همبستگی عمیق خود را با مردم ایران اعلام می‌کنیم. همدردی ما هر روز با مردم ایران بیشتر می‌شود نه فقط بخاطر آنکه به انقلابشان خیانت شده است، بلکه بدلیل ادامه بی‌حاصل این جنگ که ضربه‌ای به جنبش غیر متعهدها و صلح منطقه است... من امیدوارم سال آینده در همین جا گرد آیم و سرنگونی رژیم خمینی و پیروزی نیروهای انقلابی را جشن بگیریم." در میتینگ مزبور همچنین دو شاعر انقلابی هند، اشعاری در همبستگی با زندانیان سیاسی ایران خواندند.

در پایان این گردهم‌آبی که خیر آن در روزنامه‌های پرتیراژ "پتریوت" و "پرتاب" درج گردید، قطعنامه سازمان صلح و همبستگی سراسری هندوستان، در دفاع از میهن پرستان ایرانی قرائت گردید. در بخشی از قطعنامه چنین می‌خوانیم، "این گردهمایی شیوه‌های قرون وسطایی خفقان، شکنجه و اعدام نیروهای مترقی و دمکراتیک بویژه نویسندگان و هنرمندان انقلابی را توسط رژیم خمینی، شدیداً محکوم می‌کند.

این میتینگ جداً خواهان آزادی بدون قید و شرط کلیه زندانیان سیاسی... است.

این گردهمایی اعتقاد دارد که ادامه جنگ ایران و عراق فقط به سود نیروهای امپریالیستی است و باید فوراً خاتمه یابد."



نماینده کنگره ملی آفریقا جمهوری اسلامی را محکوم می‌کنند

◀ جدید را علیه رژیم ترور و جنایت شعله ورتر خواهد ساخت.

* جمعی از کارگران و کارکنان کارخانه ذوب آهن سیلم هندوستان ۹۲ تن از نمایندگان احزاب و سازمانهای مترقی در شهر مدرس همراه با تعدادی از کارگران، وکلا، نویسندگان، شعرا، روزنامه‌نگاران این شهر و همچنین برخی از دانشجویان هندی، سربلنکایی و فلسطینی با امضا متنی خواهان پایان دادن به شکنجه و اعدام میهن پرستان ایران منجمله فداییان خلق و آزادی همه زندانیان سیاسی ایران شدند.

* شرکت کنندگان در جشن سی و دومین سالگرد چپه دمکراتیک دانشجویان سودانی (که در شهر عیلکر هندوستان برگزار گردید) با صدور قطعنامه‌ای درباره اوضاع ایران ضمن محکوم نمودن سیاستهای قرون وسطایی رژیم خمینی، بر قطع کشتار نیروهای انقلابی توسط رژیم جمهوری اسلامی، تأکید کردند.

* از سوی نماینده نهاد اقدام مسالمت آمیز در هوستون، نامه‌ای برای دبیر کل سازمان ملل ارسال گردید که در آن ضمن اظهار تأسف از اعدام فداییان خلق محمدرضا غبرائی، رضی‌الدین تاپان و... از خاویر پرزد و کوئیار خواسته شده است، "به نام انسانیت، ما از شما می‌خواهیم که به این اعدام‌های جمعی اعتراض کرده و بر تلاش‌هایتان برای نجات جان زندانیان سیاسی در ایران بیفزایید."

* دبیر شورای صلح آمریکا - شمال کالیفرنیا، در نامه‌ای خطاب به خامنه‌ای نوشته است، "بعنوان شهروندان این جهان پر مخاطره، ما از شما می‌خواهیم به اعدام‌های وحشیانه که لکه ننگی بر دامن شما و رژیم جمهوری اسلامی گذاشته‌اند، پایان دهید."

* از سوی شورای صلح آمریکا - شمال کالیفرنیا، نامه‌ای برای دبیر کل سازمان ملل متحد ارسال گردید که در آن با ذکر اعدام‌های ماههای گذشته و تیرباران فداییان خلق آمده است، "کشتار این ایرانیان میهن دوست سایه‌ای به روی جهان متمدن کشیده است. خواهشمندیم هر آنچه در توان دارید، انجام دهید تا کلیه زندانیانی که در زندان بصری پرند آزاد شوند."

نشریه "اکثریت" گزارشگر رزم کارگران و دهقانان میهن

جنبش کارگری و دهقانی در سال گذشته

بقیه از صفحه اول

نشریه "اکثریت" ۲۹۵ خیر و مطلب در این زمینه به چاپ رسیده است. به بیان دیگر به طور متوسط در هر شماره "اکثریت" قریب به ۶ خیر و مطلب در زمینه جنبش کارگری درج شده است. اخبار مربوط به جنبش کارگری ۴۸ درصد خبرهای درج شده در صفحه "خبرهایی کوتاه از میان نامه‌ها و گزارش‌ها" را تشکیل می‌دهد. کثرت خبرهای کارگری در نشریه "اکثریت" صرفاً به گزینشی بر مبنای ارجحیت در انعکاس مبارزات طبقه کارگر بر نمی‌گردد. این امر یک مبنای عینی دارد. سال گذشته جنبش کارگری استمرار خود را به اثبات رساند و نشان داد روندی که در سال ۶۲ آغاز گشت، روندی مستمر و تکامل یافته است. در هیچ یک از دیگر بخش‌های جنبش مردمی علیه رژیم جمهوری اسلامی، خصلت استمرار دارای این وزن و جلوه و وضوح نیست. این خصلت در ترکیب با خصیصه کسترش یابندگی، جایگاه ممتازی به جنبش کارگری بخشیده است و در حال حاضر، صرف نظر از توان استراتژیک این جنبش، از نقاط

سال گذشته جنبش کارگری استمرار خود را به اثبات رساند و نشان داد روندی که در سال ۶۲ آغاز گشت، روندی مستمر و تکامل یافته است. خصلت استمرار در ترکیب با خصیصه کسترش یابندگی جایگاه ممتازی به جنبش کارگری بخشیده است.

قوت اصلی آن محسوب می‌شود.

سال ۶۲ سال جهش جنبش کارگری بود. این جهش در مبارزه طبقه کارگر ایران در بعد از انقلاب در برگیرنده چند حرکت پرخروش و پربازتاب همچون اعتصاب کارگران دختانیات (در پایان سال ۶۲)، کانادادرای و بالاخره ذوب آهن بود. سال ۶۲ با تعدد چشمگیر حرکات جمعی کارگری مشخص شد. سال ۶۴ از این نظر چشمگیر تر گشت. اقدامات و حرکات جمعی همچنان روند رو به گسترش داشتند و کارخانه‌ها و کارگاههای بسیاری را در بر گرفتند.

بر مبنای خبرها و گزارشهای مندرج در نشریه "اکثریت"، مساله

افزایش دستمزد و پرداخت حقوق عقب افتاده، جلوگیری از افزایش ساعات کار و پیامباززه به منظور کاستن از آن، پرداخت ویا افزایش حق بهره‌وری، خواسته طبقه بندی مشاغل بمنظور افزایش حقوق و دستمزد و پیام مخالفت با شکل ناعادلانه اجرای آن، جلوگیری از اخراجهای دسته جمعی، گروهی یا فردی در نتیجه اجحاف کارفرما ویا در نتیجه ورشکستگی صنایع و نیز مبارزه برای برگرداندن اخراجی‌ها

فرآیند شدن را دارد. در اکثریت شماره ۹۰ خبر مبارزه کارگران کارخانه پشمیاف تهران درج گردیده است.

در سال ۶۴ مساله طبقه‌بندی مشاغل وزن بیشتری یافت. کارگران نشان دادند که درک روشن‌تری در این زمینه یافته‌اند. در سال گذشته حرکات متعددی حول این موضوع در کارخانه‌ها رخ داد.

در سال ۶۴ مبارزه با جنگ طلبی

در ۵۰ شماره سال گذشته نشریه "اکثریت" ۲۹۵ خیر و مطلب در زمینه جنبش کارگری و ۷۵ خیر و مطلب در زمینه جنبش دهقانی به چاپ رسیده است. به بیان دیگر به طور متوسط در هر شماره اکثریت قریب به شش خیر ویا مطلب در زمینه جنبش کارگری و بین یک تا دو خیر ویا مطلب در زمینه جنبش دهقانی درج شده است.

به سرکار، مخالفت با پاج ستانی برای جنگ، مطالبات رفاهی و خواسته تهیه امکانات و ایجاد شرایط ضرور برای جلوگیری از سوانح حین کار، مهمترین خواسته‌های کارگران و محروم‌های درگیری آنها با سرمایه‌داران و حکومت در سال گذشته بوده است.

از این نظر یک مقایسه بین رویدادهای کارگری سال ۶۴ با سال ۶۲ نشان می‌دهد که به دلیل تشدید تورم و فلاکت و ورشکستگی ناشی از تداوم جنگ، خواسته افزایش حقوق و دیگر خواسته‌هایی که به این موضوع برمی‌گردد اهمیت و وزن همچنان رشد یافته‌ای دارند. بدیده تازه در سال ۶۴ در قیاس با سال ۶۲ افزایش اعتصابات و اعتراضات در مخالفت با اخراجهای دسته جمعی ناشی از ورشکستگی صنایع کشور بر بستر یک ورشکستگی عمومی است. در "اکثریت"

شماره ۹۲، به یکباره ۴۵ خیر در زمینه ورشکستگی صنایع و اخراج جمعی کارگران درج گردیده است. خبرهایی از این دست و نیز اظهارات صریح مقامات رژیم (رجوع کنید به عنوان نمونه به اکثریت شماره ۹۴ مقاله نمایی از صنایع فروپاشیده کشور) نشان می‌دهد که در حول این محور مبارزه کارگران رشد یافته و پرخروش خواهد بود. مبارزه کارگران کارخانه پشمیاف تهران برای راه اندازی کارخانه‌شان که از سوی سرمایه‌دار بسته شده بود. نمونه‌ایست که به این شکل در سال جاری زمینه تکرار شدن و حتی تبدیل به یک حرکت

خود نشان داده است. خبرها و گزارش‌های اختصاصی نشریه "اکثریت" نمونه‌های فراوانی که حاکی از این امر باشد را به دست می‌دهد. این موضوع از جمله شاخص‌هایی است که نشان دهنده قاطع‌تر گشتن مبارزات کارگری است.

در سال گذشته نیز رژیم سرکوبگری خود را تا حد فرستادن پاسدار به داخل چندین کارخانه به نمایش گذاشت. روند مقابله سرکوبگرانه با حرکات کارگری روند تشدید شونده است. هر چند که تجربه مقابله با اعتصابات همچون اعتصاب کانادادرای به رژیم نشان داده است که توسل به سلاح سرکوب به سادگی فشردن ماشه نیست، اما از آنجایی که ظرفیتش برای عوام‌فریبی تحلیل رفته است میل به سرکوب مستقیم در رژیم تقویت می‌شود. مضحکه فروش سهام کارخانه‌های دولتی به کارگران نشان داد که توانایی مادی و ذهنی رژیم برای عوام‌فریبی در میان کارگران اساساً پایان یافته است. ورشکستگی و فلاکت بیشتر کشور در نتیجه جنگ که یکی از جلوه‌های آن ورشکستگی صنایع است با کاستن از پایه‌های مادی فریبکاری، خوی سرکوبگری رژیم در مقابله با جنبش کارگری را شدت می‌بخشد.

طبقه کارگر ایران در سال گذشته همچنان از کمبود آگاهی طبقاتی و نبود تشکل و ضعف اتحاد در رنج بود. مبارزه عینی طبقه کارگر زمینه‌های عینی زدایش این ضعف‌ها را ایجاد کرده و هر چه که می‌گذرد ضرورت زدایش

در سال ۶۴ در مقایسه با سال پیش از آن، طبقه کارگر ایران گرایش بیشتری به سوی حرکات اعتصابی از خود نشان داده است. خبرها و گزارش‌های اختصاصی نشریه "اکثریت" نمونه‌های فراوانی که حاکی از این امر باشد را به دست می‌دهد. این موضوع از جمله شاخص‌هایی است که نشان دهنده قاطع‌تر گشتن مبارزات کارگری است.

عملی آنها را عاجل‌تر می‌سازد.



اخبار مربوط به مبارزات دهقانی نیز جای ویژه‌ای در نشریه "اکثریت" دارند. در سال گذشته ۷۵ خبر و مطلب در مورد مسائل دهقانی و مبارزه در روستا در این نشریه درج شده است. در هر یک از ۵۰ شماره اخیر

جمعی به شکل تجمع، اعتراض جمعی در دفتر مدیر کارخانه، درگیری با سرپرستان، مدیران و اعضای انجمن اسلامی، جمع آوری امضا و طومار، کم‌کاری، اعتصاب کوتاه مدت ویا نسبتاً بلند مدت.

در سال ۶۴ در مقایسه با سال پیش از آن، طبقه کارگر ایران گرایش بیشتری به سوی حرکات اعتصابی از

مقاومت در برابر نیروهای انتظامی است که برای سرپا زگیری به ده پورش می آورند. روستاهای ایران در سال ۶۴ شاهد حوادث مختلفی در این زمینه بود.

سال گذشته حکومت همچنان خط برچیدن شوراهای مردمی و ایجاد شوراهای وابسته خود را در روستاها تدارک می دید. در سال گذشته نمایندگان شوراهایی که اقدامات ضد بزرگ مالکی انجام داده بودند تحت تعقیب و آزار و اذیت قرار داشتند، به زندان انداخته شده و حتی در ملا عام شلاق خوردند.

جنبش دهقانی نیز همچون جنبش کارگری اگر از اتحاد و تشکل لازم برخوردار بود می توانست تاثیرات گرانقدرتری بر روی کل جنبش مردمی بگذارد. در این عرصه نیز زمینه های عینی برای تحول مبارزه پراکنده و خود بخودی به مبارزه متشکل و هدفمند وجود دارد و وظایف سنگینی بر دوش کمونیستهای گذار دارد.



در سال ۶۵ حرکت جنبش کارگری در ادامه جهشی است که از سال ۶۳ آغاز گشته است. جنبش دهقانی نیز در این سال در حول محورهایی که بر شردیم چشم انداز شکوفاتر شدن را در برابر خود دارد. نشریه "اکثریت" بر مینای وظیفه انقلابی خود خواهد کوشید در سال تازه نیز بازتاب دهنده رزم کارگران و دهقانان میهن باشد. نشریه "اکثریت" خواهد کوشید در فضای دور از میهن پنجره ای باشد گشوده به سوی باغ پر درخت و شکوفان جنبش مردمی. با امید و تلاش در جهت شکوفان شدن هر چه بیشتر این جنبش!



تداوم جنگ به حرکتی فراگیر تبدیل شده است. نشریه شماره ۷۶ تنها از یک منطقه روستایی خبرهای زیر را در این رابطه ارائه می دهد:

- در روستای گوره از توابع

مسئله زمین آشکارترین و حادثترین محور درگیری در روستا و مقابله روستائیان با حکومت است. در سال گذشته بطور متوسط دو سوم خیرهای دهقانی مندرج در صفحه "خبرهایی کوتاه از میان نامه ها و گزارشها"ی نشریه "اکثریت" به بازتاب رخدادهایی حول مساله زمین در روستا اختصاص داشته اند.

بخش حاجی آباد وقتی که جسد جوانی را که در جنگ کشته شده بود به محل زادگاه او می آورند، انزجار عمومی

خبرهای متعددی در نشریه "اکثریت" حاکی از فراری دادن خان از سوی دهقانان است.



نسبت به رژیم خمینی برانگیخته می شود. مادر این جوان عکس خمینی را در برابر مسئولین پاره کرده و خمینی را قاتل فرزندش می نامد.

- در یکی دیگر از روستاهای این بخش حیاتی که جسد سربازی را به زادگاهش می برد، ناچار شد در میانه راه باز گردد، زیرا روستائیان اعلام داشته بودند هیات دولتی را به روستا راه نخواهند داد.

- در بخش حاجی آباد تنها پس یک چوپان فقیر و تنهار در جنگ کشته شد. این چوپان به تنهایی در دخمه ای در حاشیه شهر زندگی می کند پخش این خبر درد انگیز در میان مردم حاجی آباد خشم بسیاری برانگیخت. مقامات دولتی برای دلجویی از این چوپان و قصد عوامفریبی دستور دادند به دخمه محل زندگی او برق بکشند!

در میان جلوه های متعددی که انزجار روستائیان از جنگ به خود می گیرد و در گزارشهای روستایی بازتاب می یابد برجسته ترین شکل همچنان گریز از خدمت سربازی و

خونین گشته است. مقابله روستائیان با بازگشت بزرگ مالکان شکلهای متنوعی از طومار نویسی گرفته تا مقاومت مسلحانه را در برمی گیرد. گرایش غالب همچنان به سوی شکلهای قاطع تر مقابله با بزرگ مالک است.

مقابله روستائیان با حکومت است. در سال گذشته بطور متوسط دو سوم خیرهای دهقانی مندرج در صفحه "خبرهایی کوتاه از میان نامه ها و گزارشها"ی نشریه "اکثریت" به بازتاب رخدادهایی حول مساله زمین در روستا اختصاص داشته اند.

خبرهای متعددی در نشریه "اکثریت" حاکی از فراری دادن خان از سوی دهقانان است.

در سال ۶۴ مبارزه برای تهیه وسایل، امکانات و مواد کشاورزی اهمیت بیشتری یافت. در حالی که به دلیل فلاکت و ورشکستگی اقتصادی شهر نیز جلوه ای بی چشم انداز و سیاه برای دهقانان محروم دارد مبارزه برای خاموش نکشتن کامل چراغ کم سوی کشاورزی کشور دارای یک اهمیت رشد یابنده است. تجمع کشاورزان در برابر اداره کشاورزی

مقابله روستائیان با بازگشت بزرگ مالکان شکلهای متنوعی از طومار نویسی گرفته تا مقاومت مسلحانه را در برمی گیرد. گرایش غالب همچنان به سوی شکلهای قاطع تر مقابله با بزرگ مالک است. خبرهای متعددی حاکی از فراری دادن خان از سوی دهقانان است.

شیراز برای دریافت پدر و مقابله آنها با پاسداران که خبر آن در نشریه شماره ۵۵ درج شده است و خبرهای متعدد دیگری با این مضمون نشان دهنده روند تقویت این محور از مبارزه دهقانی است.

در سال ۶۴ گزارشهای دهقانی همه حاکی از آنند که گریز جوانان روستایی از خدمت سربازی به دلیل

نشریه "اکثریت" بطور متوسط بین یک تا دو خبر و مطلب به انعکاس دادن مسائل مبارزات دهقانی اختصاص یافته است. در سال گذشته نزدیک به ۱۰ درصد خبرهای درج شده در صفحه "خبرهایی کوتاه از میان نامه ها و گزارشها" ویژه خبرهای دهقانی بوده است.

در "اکثریت" شماره ۸۵ در مقاله ای با عنوان "مشت نمونه خروار" چنین می خوانیم، "مضمون اکثر قریب به اتفاق گزارشهای دهقانی چنین است، زمین داران بزرگ با اتکا بر سر نیزه ارگانهای سرکوبگر رژیم بازمی گردند. مقاومت دهقانان با کلوله و سرکوب و زندان یاخ داده می شود. زمین های مصادره شده در جریان انقلاب مجددا در اختیار بهره کشانی قرار می گیرد که انقلاب آنها را گریز آنده بود و اکنون تاخت و تازشان در روستاها یکی دیگر از ندادهای مایهت خائنانه رژیم است." این بیان فشرده از گزارشهای دهقانی را ۱۷ خبر از روستاهای مغان، باختران، روانسر، خرم آباد، کوه دشت و رودسر که در ادامه این مقاله آمده است باز نموده و به اثبات می رسانند. بطور متوسط

دو سوم خبرهای دهقانی مندرج در صفحه "خبرهایی کوتاه از میان نامه ها و گزارشهای" نشریه از مضمونی همانند آنچه که در بالا نقل شد برخوردارند. مساله زمین آشکارترین و حادثترین محور درگیری طبقاتی در روستا و مقابله روستائیان با حکومت است. نشریه "اکثریت" بعد از معرکه ای که چندین پیش موسوی خوئینی ها در دستگاه تبلیغی جمهوری اسلامی ظاهرا در دم بازگشت خانها و همنوایی با روستائیان به راه انداختند با درج خبرها و گزارشهای متعدد نشان داد که این عوامفریبی یک حقه کهنه شده در جمهوری اسلامی است و دیگر نمی تواند کسی را کول بزند.

مقابله روستائیان با بازگشت بزرگ مالکان شکلهای متنوعی از طومار نویسی گرفته تا مقاومت مسلحانه را در برمی گیرد. گرایش غالب همچنان به سوی شکلهای قاطع تر مقابله با بزرگ مالک است. خبرهای متعددی حاکی از فراری دادن خان از سوی دهقانان است.

دهقانان در برابر بازگشت خانها و بزرگ مالکان به روستا به شدت مقاومت می کنند. سرکوبگری ارگانهای انتظامی حکومت که در روستاها حکم گارد محافظ و مدافع بزرگ مالکان را یافته اند در برابر مقاومت روستائیان صحنه های درد انگیزی آفریده است. اینجا و آنجا زمین یا خون دهقانان زحمتکش

اعتراض شدید جمهوری دمکراتیک افغانستان به رژیم جمهوری اسلامی

از صفحه اول

دیروز به ساعت ۱۲/۲۰ شارژ دافتر سفارت جمهوری اسلامی ایران در کابل به وزارت امور خارجه احضار و مواد آتی از طرف مدیر شعبه دوم سیاسی به نامبرده ارائه گردید.

با آنکه از طرق دیپلوماتیک در زمینه رعایت اصول و موازین زیست مسالمت آمیز و برخورد نیک همجواری اجتناب از مداخلات در امور داخلی جمهوری دمکراتیک افغانستان به کرات تذکراهایی داده شده باز هم از آنجا که در زمینه کدام واکنش مثبتی از طرف دولت جمهوری اسلامی ایران به مشاهده نرسیده و هم درین اواخر بوضاحت دیده می شود که در شیوه مداخلات و تجاوزات آن دولت علیه افغانستان انقلابی بدهای وسیعی داده شده لازم است از طرف دولت جمهوری دمکراتیک افغانستان مراتب آتی بدولت جمهوری اسلامی ایران اعلام گردد.

واقعات و رویدادها در طول همین سال جاری نشان می دهند که قلمرو جمهوری دمکراتیک افغانستان برای شصت و سه مرتبه از طرف نیروهای زمینی و هوایی جمهوری اسلامی ایران مورد تجاوز قرار گرفته، در اثر آن بیست نفر شهید و ۲۴۵ نفر مجروح و شوزده نفر به خاک ایران اختطاف گشته و تلفات و خسارات مالی زیادی نیز عاید شده است که می توان از جمله تاریخی لیل ۱۳۶۴/۶/۲۱ نیروهای دولتی ایران بر تپهانه حاجی جان که دونفر اتباع افغانی شهید و یک نفر مجروح شده و تهاجم لیل ۱۳۶۴/۷/۱۱ که ۶۴ نفر از اعضای باند حزب الله و جمعیت اسلامی و سپاه پاسداران ایران در ناحیه تزل قلعه حمله برد و آتشباری های مورخ ۱۳۶۴/۸/۴۰۲ سلاحهای مختلف النوع از خاک ایران بالای پوسته سردی شری افغانستان که در نتیجه دونفر اتباع افغانی مقتول و یک نفر مجروح گردیده و از انداختن های سلاحهای ریکتیف و آتشباری های سلاح ثقیله بالای پوسته سردی جمهوری دمکراتیک افغانستان در فیض آباد از پاسگاه کولاخ خان ایران که در نتیجه دونفر شهید و دونفر مجروح و سه یاب تعمیر تخریب گردیده است و در واقع انداختن سلاحهای آتشبار کننده بالای پوسته سردی از خاک ایران به تاریخ ۱۳۶۴/۱۰/۹ که تعداد سه نفر شهید و پنج نفر مجروح و تعمیر کمبازی سردی کاملاً تخریب گردیده است، در اینجا یاد آور شد. با بسیجهای قبلا تجویز شده در نقاط مختلف مرزهای مشترک و ساحات استفاده از آب های مشترک رود هلمند و انجام عملیات تجاوزی از طرف مقامات مرزی شان نه تنها نورمها، پروتوکولها موازین رژیم سردی و تنظیمات حقایه مروج از میان رفته

است. بلکه چندین مرتبه با برگرداندن جریان آب به طرف خویش مسکونین شهرهای زرنج، کنگت چخانسور و دیگر نقاط محل را با قطع شدید آب مواجه گردانیده اند.

در تبلیغات نشرات و عملیات سازماندهی علیه جمهوری دمکراتیک افغانستان انقلابی با وصف تقاضاهای مکرر کاهشی صورت نگرفته بلکه ساعات نشرات خصمانه رادیو تلویزیون ایران علیه افغانستان افزایش یافته و رسانه های مطبوعاتی ایران همه روزه آنگنده از مطالب خصمانه و نشر موضوعات دور از حقیقت و خود ساخته بر ضد جمهوری دمکراتیک افغانستان میباشند.

مقامات و رهبران آن کشور تشبثات شائرا در امر سازماندهی تحریک و توطیف مقیمین افغانی و عناصر ضد انقلاب در ایران تا آن سر حد پیش برده اند که بدستور مقامات عالی روحانیون برای انجام اعمال غیر دوستانه، مخفیانه وارد قلمرو جمهوری دمکراتیک افغانستان میگردند و رسانه های جمهوری اسلامی ایران پدیدریخ در زمینه نشر و پخش مطلب می نمایند، که آن اعمال بدستور شخصیت های چون آیت الله العظمی حسین علی منتظری انجام یافته است. همین طور یعنی از منابع گروهی ایران تحت شعار، قیام مردم مسلمان افغانستان پیروز میشود، اعتراف مینمایند که دولت جمهوری اسلامی ایران کمک های وسیع مالی و سیاسی و نظامی را به ضد انقلاب افغانستان میدهد و هم در ریاست جمهوری، نخست وزیری، وزارت کشور و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران شخصیت هایی را که ناظر و عهده دار انجام اعمال فوق میباشد بر ملا میدارند. پناهر عهده داری همین مقامات است که باند های ضد انقلاب افغانستان در شهر تهران، قم، مشهد، یزد، اصفهان و دیگر جاهای ایران تنظیم و سازماندهی گردیده برای قتل غارت گری و خرابکاری بداخل افغانستان گسیل میگردند. جلب و جذب در مراکز خرابکاری فوق که مقامات مربوط آنها را نمایندگی های نهضت اسلامی افغانستان مینامند با جبر اکراه و تهدید بسر نشوشت محرومیت از کار، ترک محل زیست، حبس و مرگ دچار می شوند چنانچه در پهلوی دهها واقعه، واقعه اوایل اسد ۱۳۶۴ خاک ایران در نزدیکی مرز افغانستان را میتوان یاد آور شد که نیروهای مربوط آن دولت بر فامیل های اقوام غلیزایی که خواهان برگشت به افغانستان بودند حمله برده تعدادی را مقتول عدهای را مجروح و متباقی را بازداشت گردانیده اجازه ندادند تا آنان با آرزوی شان یعنی مراجعت بوطن شان نایل گردند.

محافل حاکمه ایران از طریق انجام اعمال فوق و توسعه دامنه تبلیغات و فعالیت های دیپلوماتیک میکوشند تا با سازمان های ضد انقلاب افغانی خود ایجاد کرده شان هویت شناخت و موقف سیاسی، تدارک نمایند که میتوان به بیانیته تاریخی ۱۳۶۴/۱۰/۶ وزارت امور خارجه و کمیسیون سیاست خارجه مجلس شورای اسلامی و بیانیته مورخ ۱۳۶۴/۷/۱۱ آقای علی اکبر ولایتی وزیر امور خارجه ایران را در اسامیله عمومی ملل متحد و اظهارات آقای رئیس جمهور جمهوری اسلامی ایران را در سفرهای رسمی شان در کشورهای مجاری و افریقایی در ابراز خصومت علیه افغانستان انقلابی معطوف بر همین هدف توجیه کرد.

فعالیت های که دنباله آن حتی به نقض اصول و مقررات اتحادیه پستی جهانی از طرف دولت ایران انجامیده است که تکت های پستی و پاکت های مراسلاتی را با شعارها و نقش های خصمانه علیه جمهوری دمکراتیک افغانستان چاپ و بدوران انداخته اند.

نمایندهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران در خارج باقلمه بهانه های غیر موجه به تاجران افغانی که خواهان عبور از خاک ایران بشکل ترانزیت، بوده اند پرداخته از صدور ویزای لازم با آنان خودداری کرده و تجارت ملی ما را به مشکلات زیادی مواجه گردانیده اند.

با آنکه در موارد مداخلات و تجاوزات پروتستهایی از طرف جمهوری دمکراتیک افغانستان به مقامات جمهوری اسلامی ایران صورت گرفته و تا حال بی اثر مانده است باز هم لازمی گشت تا بار دیگر به ملاحظه اسناد مدارکی که در اختیار میباشند، جمهوری دمکراتیک افغانستان مرا. تیب احتجاج شدید خویش را بر عملکرد های غیر دوستانه تجاوزی و مغایر اصول روابط بین المللی فوق مقامات مربوط بدولت جمهوری اسلامی ایران بر آن دولت اعلام دارد و از آن دولت جدا تقاضا می رود که در مورد مواضع و شیوه های برخوردشان با دولت جمهوری دمکراتیک افغانستان تجدید نظر کرده اجازه ندهند که با حمایت از باندهای ارتجاعی و وابسته آمریکایی در ضدیت با انقلاب افغانستان پیش از این در خط امپریالیزم آمریکا و دستیاران منطقه ای شان قرار گرفته با ترویج شعارهایی چون اسلام مرز رابه رسمیت نشیناسد، میان ایران و همسایگان آن مرزی وجود ندارد، انقلاب راه خود را در کشورهای دیگر باز میکند. و از این قبیل در مورد روشها و سلوکیهای بین المللی شان سولاتی بر انگیزند بلکه بهتر خواهد

بود تا با عطف نظر به پیام تاریخی رهبری جمهوری دمکراتیک افغانستان به مناسبت تجلیل از سال بین المللی صلح تاریخی ۱۳۶۴/۱۲/۶ مسوولان امور در جمهوری اسلامی ایران عقل سلیم و واقع بینی سیاسی شان را در پی بود روابط با جمهوری دمکراتیک افغانستان در پیش گیرند و بیش ازین موجب نگردند که امپریالیزم بین المللی این دشمن مشترک خلقهای دو کشور از ادامه مناسبات غیر دوستانه بین دو دولت همسایه بهره برداری نماید و اوضاع را در جهت سیر بر موازین و اصول زیست مسالمت آمیز حسن همجواری عدم مداخله و ایجاد مرزهای آرام و مصون یکشانند. جمهوری دمکراتیک افغانستان به این یاور است که مواضع و فعالیت های فکلی جمهوری اسلامی ایران در قبال افغانستان انقلابی به هیچ صورتی جواب گوی نیازهای مبرم و آرمان های مردمان شریف و آزاده افغانستان و ایران نبوده و در صورت دوام منافع دو کشور همسایه رابه نفع دشمنان مشترک آنان امپریالیزم آمریکا و وابستگان آن تامین خواهد ساخت.

با ابراز مراتب فوق و اظهار هر نوع آمادگی در جهت همکاری مسالمت آمیز و عادی گردانیدن اوضاع جمهوری دمکراتیک افغانستان اعلام میدارد چنانچه مسوولان امور در جمهوری اسلامی ایران سلسله مداخلات و تجاوزات شائرا در امور داخلی افغانستان به طور قطعی و موثر پایان ندهند شرایط چنان بر ماتحمیل خواهد گردید تا به هر قیمت ممکن از حاکمیت ملی و امنیت خویش دفاع نماییم که در آن موقع به یقین مسوولیت عواقب خظیر و اجتناب ناپذیری آن بدلت جمهوری اسلامی ایران خواهد بود.

محکومیت عراق

بقیه از صفحه اول

مسئولین خود از جمله رفسنجانی اظهار تمایل نموده است.

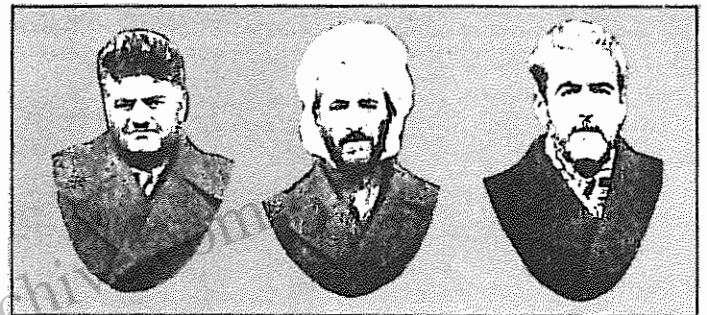
در حالی که محکوم کردن این یا آن جنایتکاری دور زیم در جنگ از جمله توسل عراق به سلاحهای شیمیایی در جای خود مثبت است اما باید توجه داشت که حرکت کار ساز در تلاش برای متوقف کردن کل ماشین جنگی است. در حالی که جنگ ادامه داشته باشد هر دور زیم از توسل به هر گونه درنده خوبی ابایی ندارند. توسل به کثیف ترین شیوهها و تاکتیکها براننده و بی آمد طبیعی یک جنگ کثیف بی سرانجام است.

یاد قاضی محمد و یاران او گرامی باد!

دوم فروردین ماه مصادف است با سی و نهمین سالگرد شهادت قاضی محمد بنیانگذار جمهوری خودمختار کردستان (جمهوری مهاباد) و عده‌ای از یاران و هم‌زمان صدیق او به دست رژیم سرتگون شده شاه. ارتش شاه بعد از تصرف تبریز و سرکوب جنبش ملی آذربایجان متوجه مهاباد شد پس از استقرار ارتش در این شهر قاضی محمد و جمعی از یاران او دستگیر و در فاصله کوتاهی اعدام گردیدند.

چنان شجاعانه شعار داد که طنین آن برای همیشه جاودان مانده است. حرکتی که قاضی محمد آغازگر آن بود و سنتی از شجاعت که قاضی به یادگار نهاد یکی از منابع الهام مبارزه خلق کرد گشت. خلق کرد این مبارزه را همچنان با فداکاری و شجاعت پیش می‌برد. جمهوری اسلامی که در سرکوب و کشتار خلق کرد روی شاه سرتگون شده را سفید کرد در مصاف با این مبارزه جایگاهی جز جایگاه فاتلان قاضی و یاران او را در تاریخ نخواهد یافت. محدرضا شاه‌ها و خمینی‌ها خواهند مرد. زندگان تاریخ قاضی محمد‌ها هستند. راه آنان زنده است و دیر نیست که رزمشان ثمر دهد و آرمانهایشان تحقق نهایی یابند.

نحوه برخورد قاضی محمد با اسارت و مساله مرگ در راه آرمانهای انقلابی نام نیک او را پر آوازه‌تر ساخت. قاضی محمد استادگی دلورانه‌ای از خود نشان داد و در دم مرگ نیز چنان آتشین سخن گفت و



سه شهید ارجمند خلق کرد که در یک روز اعدام گشتند، ابوالقاسم صدر قاضی، قاضی محمد و محمد حسین سیف قاضی

اقدامات سرکوبگرانه جدید رژیم ترکیه علیه خلق کرد

مطبوعات غرب گزارش دادند همزمان با حضور جرج شولتز وزیر خارجه آمریکا در ترکیه، ارتش این کشور دست به اقدامات سرکوبگرانه جدیدی علیه خلق کرده‌ها است. رژیم آنکارا در صدد است سراسر مرزهای خود را با ایران، عراق و سوریه تحت کنترل شدید قرار دهد و بدین منظور در امتداد این مرزها، از دریای مدیترانه تا ناحیه آزارات را سیم خاردار بکشد. در مناطق کوهستانی، به ویژه مرز ترکیه و ایران، رژیم ناتوی اورن- اوزال می‌خواهد یک نوار به عرض چندین کیلومتر با نام نوار "شلیک آزاد" ایجاد کند. در این منطقه نیروهای سرکوبگر مجاز خواهند بود تا به روی هر جنبنده‌ای آتش بکشایند. این نوار مرزی، طبق نقشه شوم آنکارا از سکنه خالی خواهد شد و بدین منظور، ارتش تخلیه اجباری ۹ روستای کردنشین را آغاز کرده است. این اقدامات فاشیستی، بار دیگر اهمیت و ضرورت همبستگی و همپوندی انقلابیون ایران، عراق و

ترکیه در مبارزه علیه رژیم‌های ضد خلقی حاکم بر این سه کشور و در حمایت از جنبش ملی خلق کرد را برجسته تر می‌سازد. لازم به یادآوری است اخیراً سازمان فدائیان خلق ایران (اکثرت) حزب توده ایران، حزب کمونیست عراق و حزب کمونیست ترکیه در بیانیه مشترکی خاطر نشان ساختند، "ما بر آنیم که جنبش ملی کرد، متحد مهم جنبش کمونیستی و کارگری در سه کشور بشمار می‌آید. مناسبات رزمندگان جنبش ملی کرد با احزاب ما گسترش می‌یابد. در میان وسیعترین اقشار توده‌ای خلق کرد شالوده این اعتقاد که حقوق آنها در چارچوب دستیابی به آماج های جنبش ملی، مترقی و دمکراتیک در کشور تامین می‌شود، تحکیم می‌گردد. کمونیست‌ها مدافعان سرسخت حقوق ملی توده‌های خلق کرد هستند. مبارزه برای دستیابی به این حقوق رانمی‌شود از مبارزه علیه دیکتاتوری برای استقرار رژیم دمکراتیک، تفکیک کرده"

تشکیل دولت شیراک در فرانسه

بقیه از صفحه ۱۶

رقبای آمریکایی آلمانی و ژاپنی خود چشم دوخته است، با شکل گیری ائتلاف اعلان نشده حزب سوسیالیست و احزاب دست راستی، امکان "جبران عقب افتادگی‌ها" را می‌بیند.

پس از اعلام نتایج انتخابات، ژرژ مارشال دبیر کل حزب کمونیست فرانسه از جانب دفتر سیاسی حزب اظهار داشت، "میلیونها فرانسوی با توجه به پیروزی راستگرایان و راست افراطی احساس خشم می‌کنند و افسوس می‌خورند. آندسته از رای دهندگان که حزب کمونیست فرانسه را انتخاب کردند، از این طریق بطور روشن راست را محکوم نمودند. این امر همچنین در مورد کسانی صادق است که به منظور سد کردن راه راست، به حزب سوسیالیست رای دادند." وی در رابطه با سیاست سوسیالیستها گفت، "رهبران این حزب که انتخاب شده بودند تا سیاست نوینی اجرا کنند، در جهت عکس وعده‌های خود عمل کردند. آنها نسخه‌های راست‌را را پذیرفته و سیاست خشن محدودیتها، بیکاری و تشدید بیعدالتی اجتماعی را به اجرا در آورده و از این طریق، در عاراجه روی راست گشودند."

دفتر سیاسی حزب کمونیست فرانسه خواستار "اتحاد همه نیروهای توده‌ای در مبارزات اجتماعی و سیاسی به منظور دفع حملات به دستاوردهای اجتماعی و آزادی‌ها" گردید و خاطر نشان ساخت حزب کمونیست فرانسه در کارزار انتخاباتی پیشنهادها، مشخصی ارائه داد تا مسائل جدی بحران حل شود. در ادامه آمده است حزب، در آینده نیز برای تحقق این پیشنهادها مبارزه خواهد کرد.

لیبرال روی آورده است. نقش سوسیال دمکراسی فرانسه به‌مثابه "مباشر" سرمایه‌داری بر نقش آن بعنوان "اصلاح گر" نظام چرپیده است. ائتلاف جدید میان حزب سوسیالیست و احزاب دست راستی، بر پایگاه اجتماعی گسترده‌ای استوار است که تغییرات ساختاری سالیهای اخیر در جامعه سرمایه‌داری آن را شکل داده است. مثلا در فرانسه، طی سالیهای اخیر در صنایع و معادن "سنتی" (کشتی سازی، صنایع فولاد و...) دهها هزار شغل از بین رفته است. مشخصه شاخه‌های رشد یابنده اقتصاد (الکترونیک، کامپیوتر و...) اتوماتیک شدن) هر چه بیشتر، تمرکز هر چه کمتر نیروی کار و بالطبع کاهش تعداد واحدهای عظیم صنعتی و کاهش تعداد کارگران در این واحدهاست. این روند، با پایین آمدن درجه سازمان یافتگی کارگران در اتحادیه‌ها و با کاهش نفوذ حزب کمونیست فرانسه و اتحادیه کارگری "ث.ژ.ت" همراه بوده است.

به موازات تغییرات ساختاری فوق، در سالیهای اخیر ابعاد فعالیت ایدئولوژیک بورژوازی نیز گسترش یافته است. ایدئولوژیک های بورژوازی می‌کوشند تا با ابزارهای جدیدی که پیشرفت علمی- فنی در اختیار بشر گذاشته است، فردگرایی و تشکل ناپذیری را رواج دهند. هدف آنها، ایجاد آنچه پایگاه اجتماعی گسترده‌ای است که "مدرنیته" کردن فرانسه را مورد پشتیبانی قرار دهد. سرمایه‌داری فرانسه که همیشه با حسرت به "پیشرفتهای برق آسا"ی

کم‌های مالی رسیده

۲۰۰۰ کسرون	رفقای فدائی از استکهلم- سوئد
۱۰۰۰ کسرون	رفقای فدائی از فلن- سوئد
۴۲۰۰ شیلینگ	هاشم از اتریش
۱۰ مارك	H برای نشریه اکثرت از ارباخ رینگینگن آلمان فدرال
۲۵۰ فرانک	توماچ از فرانسه
۱۰۰ فرانک	رفیقای از لوکس فرانسه
۴۰۰ فرانک	شرکت کنندگان در یک جشن عروسی در پاریس
۲۰۰ فرانک	رفقای هوادار سازمان در نانت برای نشریه اکثرت
۲۰۰ روپیه	ر.چ. از هندوستان
۴۰۰ روپیه	مسافری از هندوستان برای کمک به خانواده‌های
۱۶۰۰ روپیه	زندانیان سیاسی
۵۰ دلار	یک توریست از پوننا- هندوستان
۸۵ مارك	احمدف
۱۵۰۰ پزتا	جوآداسیتویز
	یک کارگر اسپانیایی با کد bolchiviqu

سرمایه‌داری در رنگنای بحران ساختاری

نوشته‌ای از گریگوری پیروکف

اقتصاددان و رئیس بخش در موسسه جنبش بین‌المللی طبقه کارگر فرهنگستان علوم اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی.

مجموعه پدیده‌های جدید در اقتصاد کشورهای صنعتی سرمایه‌داری، دهه‌های هفتاد و هشتاد را از دیگر سال‌های پس از جنگ متمایز می‌سازد. نخست باید به کندی عمومی آهنگ رشد اقتصادی اشاره نمود. (رشد رشد از ۵٪ در سال‌های ۷۰-۱۹۶۱ به ۲/۲٪ در سال‌های ۸۰-۱۹۷۱ کاهش یافت.) نرخ رشد حجم کالایی مبادلات جهانی در این فاصله در شرایطی به نصف کاهش یافت که تضاد تجاری میان کشورهای صنعتی سرمایه‌داری و ویدی‌های خارجی کشورهای در حال رشد متباز و به فزونی بوده است. بیکاری وسیع و ماندگار شده است. شمار بیکاران در کشورهای سرمایه‌داری در پایان سال ۱۹۸۵ به ۲۵ میلیون نفر رسید و عوارضی چون "رکود تورمی"، یعنی تورم به اضافه تولید کمتر از ظرفیت، گسترش یافت.

بر متن چنین شرایطی بود که کشورهای صنعتی سرمایه‌داری دست به یک تجدید ساختار عمیق زدند. تجلی این دگرگونی را می‌توان در تغییرات الگوهای توسعه اقتصادی، علمی و فنی که پس از جنگ جهانی در این کشورها پدید آمد مشاهده نمود، الگویی که عبارت بود از تولید انبوه و مصرف انبوه.

تولید انبوه، مصرف انبوه

الگوی موجود توسعه اقتصادی، علمی و فنی هنگامی شکل گرفت که منابع انرژی ارزان وجود داشت و تامین بی‌حد و حصر مواد خام میسر بود و این فراوانی با وسعت سرزمین‌ها و بازارهای گسترده داخلی توأم شده بود. نمونه برجسته چنین شرایطی، ایالات متحده آمریکا می‌باشد.

این الگوی اقتصادی با کمک توسعه برق آسیای تجارت بین‌المللی پس از دوران جنگ، به سوی رشد تولید و مصرف جهت گرفته بود. نهایتاً الگوی آمریکایی به اروپای غربی و ژاپن سرایت کرد. الگوی مزبور بر پایه تولید انبوه ارزان موادی نظیر فولاد و فلزات غیر آهنی، مواد پلاستیکی و الیاف مصنوعی مبتنی می‌باشد. الگوی آمریکایی در صنایعی که محصولات تکمیل شده تولید می‌نماید، به خط تولید انبوه خلاصه می‌شد. این الگو در کشاورزی قبل از هر چیز به معنای استفاده وسیع از مواد شیمیایی و ماشین‌آلات بر قدرت بود. شکل مسلط توسعه علمی و فنی با افزایش تولید، سرعت و ظرفیت دمساز شد و سیستم حمل و نقل بر الگوی تولید منطبق گشت.

همراه با این الگو، الگوی مصرف انبوه نیز تکوین یافت. سیل اتومبیل، رادیو، تلویزیون و وسایل خانگی الکتریکی بازار را فرا گرفت و مد پوشاک و غیره به سرعت تغییر یافت. تبلیغات پر زرق و برق، مصرف بی‌رویه را دامن زد و تغییر و جایگزینی کالا نه به خاطر فرسودگی یا کسالت پاره شدن آن، بلکه تنها برای تغییر صرف بود. نفاخ در مصرف و خریدهای اقساطی به جنون روز تبدیل شد و این وضع

نه به معنی بهبود واقعی در شرایط زندگی مردم، بلکه به مفهوم عکس آن بود. تولید بی‌حد و مرز کالاهایی که نقشی در افزایش سطح زندگی مردم نداشتند، یا حتی تأثیرات نامطلوب بر آن می‌نهادند، رواج یافت. اما در این میان، آن بخش‌های عمومی که سرمایه انحصاری در آن‌ها منافع نمی‌یافت، نظیر حفظ محیط زیست و زمینه‌های مربوط به زیر ساخت اجتماعی، به ویژه حمل و نقل عمومی و اقتصادیات شهری (خصوصاً در شهرهای بزرگ آمریکا) دچار تنگ دستی شد. تولید بی‌رویه و پیش رفت بی‌رویه تکنولوژی به ناکزیر مصرف بی‌رویه رادری داشت. نیروی ماند تورمی، مایه انگیزش تولید انبوه و مصرف انبوه بود، زیرا به افزایش تقاضا و حذف گره‌گاه‌های موقتی و کاهش بحران‌های ادواری کمک می‌کرد.

افزایش کمی تولید، زرق و برق پخشیدن به کالا و بسته‌بندی و جوانب تبلیغاتی و بازاریابی تقدم یافت و کیفیت و استحکام کالا رنگ باخت.

الگوی تولید انبوه با خط تولید و الگوی کار تایلور-فورد منطبق بود که بر اساس آن کارگر در هر ثوبت کار، هزاران حرکت ساده و خسته کننده را تکرار می‌کرد و بالاترین درجه از خودگردانی در کار ایجاد می‌شد تا بدوربیم برای سرمایه‌داری سودهای سرشاری را به ارمان آورد. بر سرعت کار افزود، تولید و آموزش کار را یکنواخت کرده و هزینه تولید را کاهش داد. این پدیده در عین حال تاراج و استثمار نیروی کار را بی‌نهایت تشدید نمود. بیکانگی کارگران را افزایش داد، هر گونه عنصر خلاقیت را از کارگران سلب نمود، توان جسمانی آنان را فرسود و تولید را به روندی بی‌روح تر و کسالت بارتر تبدیل نمود.

اما تمرکز کارگران در موسسات بزرگ صنعتی، تشابه رنجی که در محیط کار می‌بردند، و اعتراض آنان علیه تشدید فشار کار به توسعه و گسترش جنبش اتحادیه‌ای یاری نمود. ایجاد الگوی تولید انبوه با اعتدالی مبارزه کارگران برای تامین منافع خویش توأم بود. در این شیوه تولید، اعتصاب به حربه‌ای کار آمد تبدیل شد، زیرا که ایجاد وقفه در چرخ تولید به معنی زبان‌های ملموس برای کارفرمایان بود. فشار طبقه کارگر و ضرورت تثبیت مناسبات اجتماعی، سرمایه‌داری را واداشت تا پاره‌ای امتیازات مادی را قایل شود و در واقع نیز، نهان توان (پتانسیل) رشد دایمی سود ناشی از کاربرد الگوی تولید انبوه، منبع لازم جهت اعطای چنین امتیازاتی را فراهم ساخت. در کشورهای به غایت صنعتی سرمایه‌داری، مبارزه کارگران برای تامین شرایط مطلوب کار از طریق اعتقاد قراردادهای دسته جمعی دامنه فراوانی یافت.

مبارزه زحمتکشان برای احقاق حقوق خویش نیز به دستاوردهایی سراسری در سطح کشورها منجر شد. رشد سریع اقتصادی به دولت‌های بورژوازی امکان

"آرام ساختن" نارضایتی‌های اجتماعی را می‌داد. طرح‌های مختلف بیمه‌های درمانی، بیکاری، بازنشستگی و غیره وسیعاً معمول گشت. البته نیروی ماند تورم پس از چندی دستاوردهای جدید زحمتکشان را بی‌تأثیر ساخت و مرحله جدیدی از مبارزه آغاز شد. روند موسوم به "ماریپیج تورمی" جریان یافت؛ با این حال، استفاده از اشکال مختلف "ضربه‌گیر"های دولتی، کارگران را بیش از پیش از کارفرمایان مستقل ساخت و به آن‌ها اهرم قوی‌تری در مبارزه علیه صاحبان صنایع بخشید.

الگوی تولید انبوه و مصرف انبوه، با توسعه و تکامل این الگو به سرحد خود و برخورد با موانع استراتژیک، دیگر کاربرد خود را از دست داده است.

موانع استراتژیک

اکنون نگاهی به برخی از موانع مهمی که بحران کنونی را در کشورهای صنعتی سرمایه‌داری ایجاد نموده است می‌افکنیم.

ابتدا باید به مسابقه تسلیحاتی که توسط آمریکا و متحدینش براه انداخته شده و رو به تشدید است اشاره نمود. مسابقه تسلیحاتی امروزه به صورت عامل بیرونی عمده‌ای بر اقتصاد کشورهای صنعتی سرمایه‌داری فشار وارد می‌سازد. مسابقه تسلیحاتی که با معیارهای رشد عادی اقتصادی به میزان بی‌سابقه‌ای رسیده است، منابع موجود اقتصادی، علمی و فنی را به هدر می‌دهد و هزینه‌های دولتی را افزایش می‌بخشد. به عنوان مثال در سال مالی ۱۹۸۴، کسری بودجه آمریکا به رقم نجومی ۲۰۰ هزار میلیون دلار رسید مسابقه تسلیحاتی سایر عوامل محدود کننده را نیز تشدید می‌نماید.

۱- محدودیت منابع انرژی و مواد خام، با وجودی که در مورد خطر پایان یافتن منابع انرژی و مواد خام اذعان می‌شود، بدون شک تفاوت میان افزایش سریع مصرف نفت و محدودیت منابع آن، زمینه بحران نفت را در دهه هفتاد فراهم نمود. دوران تامین سوخت ارزان پایان پذیرفته بود و طی دهه ۱۹۷۰ بهای نفت پنج برابر بیش از بهای کالاهای تولید شده افزایش یافت.

۲- محدودیت محیط زیست، در اوایل دهه هفتاد آثار جدی بروز مشکلات محیط‌های زیست در سراسر جهان پدیدار شد. آلودگی آب‌ها و هوا توسط فضولات صنعتی، دود ناشی از مواد سوختی، کودهای شیمیایی و سموم مورد استفاده در دفع آفات به میزانی رسیده بود که خطری جدی برای سلامت انسان‌ها محسوب می‌گردید. آلودگی رودها و دریاچه‌ها، صنایع را با کمبود آب سالم تهدید می‌کرد. مشکلات محیط زیست ابعاد جهانی یافت و آلودگی اقیانوس‌ها به سطح خطرناکی رسید.

دولت‌های صنعتی سرمایه‌داری تحت تأثیر فشار جنبش‌های اعتراضی و البته با نیت مصلحت‌اندیشانه، مقررات شدیدی را در جهت تعیین حد مجاز آلودگی برای صنایع، کشاورزی، خدمات همگانی و وسایل نقلیه تدوین نمودند که هزینه تولید را به میزان قابل ملاحظه‌ای افزایش می‌داد.

۳- محدودیت نیروی انسانی، طی دهه شصت، در زمینه تامین نیروی انسانی در کشورهای عمده صنعتی به ویژه اروپای غربی مشکلاتی پدید آمد. کاهش میزان زاد و ولد در دوران قبل از جنگ و سال‌های

تولید و گروه‌هایی از مصرف‌کنندگان دید. این الگو در جوار الگوی قدیمی حضور دارد و به تدریج جای بیشتری برای خود بازمی‌کند.

الگوی جدید برای غلبه بر موانع استراتژیک نه تنها از انقلاب علمی و فنی، بلکه از تجدید سازمان تقسیم جهانی کار استفاده می‌کند. سرمایه‌داری نوین با استفاده از مناسبات نابرابر اقتصاد جهانی و با تکیه بر توان شرکت‌های فراملیتی می‌کوشد رشته‌هایی از تولید را که دارای سودآوری کمتری هستند و بیشتر متکی به نیروی کارند در کشورهای رو به رشد تمرکز دهند و به این ترتیب به دامنه استثمار کارگران و منابع طبیعی این گونه کشورهای بیافزایند.

سیاست "انتقام اجتماعی"

اکنون سوال این است که هزینه انجام این تغییر ساختاری به عهده کیست. تصمیمات استراتژیک در اقتصاد سرمایه‌داری همواره مبتنی بر سمت‌گیری طبقاتی و در خدمت تأمین منافع سرمایه‌داران است. از لحاظ بورژوازی شکل مطلوب تجدید سازمان ساختاری الگوی تولید و مصرف آن است که هزینه این تغییرات بردوش کارگران تحمیل شود.

استراتژی سرمایه‌داری انحصاری دولتی برای تأمین اعتبار مالی عبارت است از گسترش سهم رشته‌هایی از تولید که منضم افزایش نقش و کاربرد، علوم و صرفه‌جویی در منابع انرژی و مواد خام باشد. در نتیجه، در کشورهای پیش‌رفته با دو گروه از صنایع روبرو هستیم، صنایع (به لحاظ ساختاری) پویا و صنایع راكد. از جمله صنایع در حال رکود می‌توان به صنایع از لحاظ فنی پیش‌رفته‌ای نظیر صنایع فولاد و تولید فلزات غیر آهنی، تصفیه نفت و تولیدات پتروشیمی، تولید الیاف مصنوعی، صنعت اتومبیل (در ایالات متحده آمریکا) و کشتی‌سازی (در ژاپن) اشاره نمود. این صنایع در هنگام رونق و رواج الگوی تولید و مصرف انبوه چرخ‌های اصلی پیش‌رفت فنی را تشکیل می‌دادند.

به رکود افتادن چنین صنایع پیش‌رفته‌ای که عموماً نیروهای عظیم کار را به خود جذب می‌کردند منشا عمده بیکاری ساختاری در جوامع سرمایه‌داری است. عامل موثر دیگر این است که صنایع به لحاظ ساختاری پویا، علی‌القاعده صنایعی کارطلب نیستند. لذا تعداد کارکنان مورد نیاز این قبیل صنایع جدید با آهنگ ناچیزی رشد می‌کند. بیکاری ساختاری برخلاف بیکاری ادواری یا گذار از یک مرحله دوباره جذب فرایند اقتصادی نمی‌شود. در برخی از کشورها (انگلستان و آلمان فدرال) بخشی از بیکاری ساختاری به بیکاری ماندگار فنی تبدیل شده و موجب کاهش مطلق سطح اشتغال در جامعه می‌گردد. در ایالات متحده آمریکا میانگین سطح ماهیانه بیکاری در دهه‌های هفتاد و هشتاد دایماً رو به افزایش بوده است. (از ۳/۴٪ در اواسط دهه شصت به ۷/۱٪ در سال‌های ۸۴-۱۹۸۰ افزایش یافته است.)

نظام تأمین اجتماعی طی دوران بحران ساختاری هدف تهاجم سنگین سرمایه‌داری انحصاری دولتی بوده است. مقادیر متنابهی از بودجه خدمات درمانی و بیمه بازنشستگی و بیکاری کاسته شده است.

بقیه در صفحه ۱۴

محصولات پرکشتی افزایش یافت و کم‌کاری و غیبت ابعاد خطرناکی در کشورهای سرمایه‌داری (به جز ژاپن) به خود گرفت. کم‌کاری و غیبت ۴۰٪ تا ۵۰٪ نیروی کار را در بر گرفت و کارفرمایان را وادار ساخت تا مبالغ هنگفتی را صرف تأمین نیروی ذخیره کارسازند.

۵- محدودیت ناشی از مناسبات اقتصادی فراگیرتر در جهان سرمایه‌داری، در دوران پس از جنگ، رشد سریع مبادلات کالا و تکنولوژی میان کشورهای پیش‌رفته سرمایه‌داری، میزان وابستگی متقابل اقتصادی آن‌ها را به یکدیگر افزایش داد. این امر با افزایش و رشد انحصارات فراملیتی که پیوندهای اقتصادی بین اقتصاد ملی کشورها را به هم ریخت توأم بود. سرمایه مالی بیش از پیش به هم آمیخته گشت و مناسبات مالی-پولی پیچیدگی بیشتری یافت.

۶- محدودیت ناشی از وخیم‌تر شدن روابط کشورهای صنعتی و رو به رشد، این مشکلات که به وخیم‌تر شدن وضع بازار جهانی می‌انجامید بدون شک در گذار از توسعه سریع بازار جهانی به آهنگ کند آن نقش داشته است.

۷- وبالآخره باید محدودیت مربوط به کاهش دامنه امکانات و مقررات انحصاری-دولتی را عنوان نمود.

گذار به یک الگوی نوین

نهان توان اقتصادی، علمی و فنی سرمایه‌داری نوین، اساساً را قادر می‌سازد تا دگرگونی ساختاری را جهت اتخاذ الگوی جدید رشد بپذیرد.

ویژگی کلیدی چنین تجدید سازجانی عبارت است از گذار از الگوی تولید و مصرف انبوه متکی بر صنایع انرژی و مواد خام به الگوی جدید که بر علم متکی بوده و منضم صرفه‌جویی در منابع انرژی و مواد خام و نیروی کار باشد، یعنی الگوی تولید حوزه‌های کوچک موازی، شخصی شده و متمایز که ضمن آن کیفیت از اولویت برخوردار باشد. پشتوانه فنی چنین گذاری به وسیله الکترونیک ریز ابزار (میکروالکترونیک) فراهم می‌شود که پایه خودگردانش (اتوماسیون) و کاربرد روبات‌ها (آدم ماشینی) به کارگیری سیستم‌های انعطاف‌پذیر تولید، ابزارهای دقیق و ظریف سنجش و کنترل، و رشد دانش‌رشناسی (انفورماتیک) به عنوان شاخه ویژه‌ای از بهره تولید است.

الگوی جدید در عرصه تولید اقلام مصرفی شخصی با ویژگی‌هایی نظیر تاکید بیشتر بر فردگرایی و پرمیز از ریخت و پاش، گسترش خدمات و توجه به کیفیت کالا متمایز می‌گردد. تاکید بر کیفیت تولید و مصرف بی‌آمد تاثیرات موانع استراتژیک می‌باشد. تاثیر موانع مزبور را می‌توان در درجه اول در گرایش به تولید اقتصادی و توأم با صرفه‌جویی به مفهوم وسیع آن در مقایسه با تولید توأم با ریخت و پاشی که تاکنون معمول بوده است؛ و در درجه دوم، رقابت برای حفظ کیفیت که خود ناشی از افزایش نقش نظام تولید متکی بر کاربرد علوم از یک سو و محدودیت امکان رقابت در زمینه کمی از سوی دیگر می‌باشد مشاهده نمود.

فقط الگوی جدید تولید و مصرف را می‌توان به صورت پراکنده در برخی از موسسات، شاخه‌های

جنگ، و از میان رفتن نیروی فعال طی دوران جنگ، زیان خود را آشکار ساخت. امکان تأمین نیروی انسانی از روستاها نیز به پایان رسید و شاخص نیروی کار در جهت کاهش هر چه بیشتر ادامه یافت.

فاصله بین عرضه و تقاضای نیروی کار بی‌آمدهای اجتماعی و اقتصادی گوناگونی داشت این فاصله برای مبارزه طبقاتی کارگران در جهت دستمزد بیشتر سودمند افتاد. مبارزه با موفقیت توأم بود و دستمزد کارگران طی این دوران افزایش قابل توجهی نمود. سطح دستمزد تا نیمه اول دهه ۱۹۷۰ نیز هم‌چنان افزایش یسافت. این افزایش یسه معنی تحمیل هزینه دستمزد سنگین‌تر به کارفرمایان بود. سطح دستمزد در ایالات متحده آمریکا ۲/۴ برابر، در انگلستان ۶/۱ برابر، در آلمان فدرال ۲/۴ برابر، در فرانسه ۲/۸ برابر، در ایتالیا ۷/۶ برابر، در ژاپن دو برابر و در کانادا ۲/۲ برابر افزایش یافت. میزان بی‌کاری در کشورهای پیش‌رفته سرمایه‌داری در اوایل دهه ۱۹۷۰ بنا بپایین بود. این کشورها برای تأمین نیروی انسانی به سراغ سایر نقاط جهان رفتند، استخدام کارگر از خارج توسط کشورهای اروپایی، مهاجرت‌های غیر قانونی به ایالات متحده آمریکا و استفاده از نیروی کار زنان در همه این کشورها رایج شد. در اوایل دهه ۱۹۷۰ تقریباً همه کشورهای صنعتی سرمایه‌داری با مسئله پیری جمعیت کشور روبرو شدند. افزایش تعداد بازنشستگان خود باری جدید بردوش اقتصاد این جوامع افزود.

به این ترتیب تغییرات حاصله در پراکنش جمعیت سبب افزایش هزینه تولید شد و به مثابه یکی از عواملی ظهور نمود که بار سنگینی را بر دوش اقتصاد جامعه تحمیل کرد.

۴- محدودیت مربوط به تغییرات معیارهای ارزشی و انگیزه‌های کار، در اوایل دهه هفتاد نظام ارزشی در جامعه تولید و مصرف انبوه تغییر جدی یافت. این تغییر پیامد طبیعی افزایش میزان بیکاری انسان از جامعه بورژوازی است که در آن، فرد آمال خود را همسوی اهداف جامعه، موسسه محل کار و سازمان‌های انسی موجود نمی‌داند.

این مسئله هر روز عمیق‌تر درک می‌شد که مصرف انبوه مادی نه تنها "کیفیت زندگی" را افزایش نداده بلکه تاثیر عکسی نیز ایجاد نموده است. تشرانی روز افزونی نسبت به مسابقه تسلیحاتی، آلودگی محیط‌زیست و رشد نهادهای دیوان سالار پدید آمد. بنابر این در اوایل دهه هفتاد شعار رشد سریع اقتصادی جای خود را به شعار اهداف اجتماعی داد. کاسته شد، بی‌کاری گسترش پیدا کرد و درآمد واقعی تنزل یافت.

نخستین شکاف در نظام انگیزش کار تا بپلور پدیدار گشت. در شرایطی که انقلاب علمی و فنی مستمراً در جریان بود، تفکیک و تجزیه بی‌اندازه کار انجام کار به صورتی بی‌روح و تکراری در چنین نظامی با گرایش به برخورد خلاقانه به کار و ارتقای دانش و تخصص و ضرورت تقدم بخشیدن به کیفیت به جای کمیت در تضاد و تناقض قرار گرفت. آهنگ رشد بازدهی کارگران کاهش یافت و در بعضی موارد حتی از رشد منفی برخوردار شد. درصد ضایعات و

کنگره هفدهم حزب کمونیست چکسلواکی برگزار شد

رهبر چکسلواکی خواستار آن گردید که در هیچ جا تضاد میان حرف و عمل، ناپیکیری، کوتاه فکری و خودخواهی، بوروکراتیسم و فرمالیسم را تحمل نکنیم.

گزارش کمیته مرکزی به کنگره ۱۷ حزب کمونیست چکسلواکی، مسئله کلیدی را در حال حاضر، شتاب یخشدن به رشد اجتماعی - اقتصادی کشور و افزایش اساسی توان و بازده اقتصاد می‌داند. بیش بینی می‌شود در ۱۵ سال آینده، بازده کار نزدیک به ۷۰ درصد افزایش یابد. تنها از این طریق، زندگی از لحاظ مادی و معنوی غنی، برای مردم تضمین خواهد شد.

هوزاک خاطر نشان ساخت تدوین طرح برنامه پنج ساله آینده که افزایش درآمد ملی به میزان ۱۸ الی ۱۹ درصد، آنهم تقریباً صرفاً از طریق افزایش بازده کار را پیش‌بینی می‌کند، با مقاومت برخی کادرها - مدیریت روبرو شده است. دبیر کل حزب کمونیست چکسلواکی اینان را کسانی نامید که طرح یک برنامه "بی‌دردسر" را مد نظر دارند و از قبول مسئولیت در هراسند. وی افزود در آینده باید علاوه بر بهبود نظام مدیریت مرکزی، نقش و مسئولیت کلکتیوهای کار افزایش یابد.

رهبر چکسلواکی پشتیبانی قاطع حزب، دولت و مردم چکسلواکی را از برنامه اتحاد شوروی برای محور سلاحهای اتمی تا سال ۲۰۰۰ اعلام داشت.

دبیر کل حزب کمونیست چکسلواکی ضمن بر سر آمدن دستاوردهای کشور در عرصه‌های گوناگون، تاکید کرد در رشد عمقی اقتصاد در صورت عدم وجود ناپیکیریها در سطح مدیریت و نیز در انجام تصمیمات، پیشرفت‌ها می‌توانست از آنچه هست بیشتر باشد. هوزاک گفت نبود انتقاد و بر خورد توأم با تزلزل، به ذهنی گراپی، رکود و از دست رفتن چشم اندازها می‌انجامد، و افزود عواقب چنین روندی را تجربه دهه شصت که به بهای گزافی تمام شد، نشان می‌دهد.



میتینکی دربراک... سوسیالیسم در روح و قلب مردم چکسلواکی جای گرفته است.

دوم دهه ۸۰ شده است. رهبر چکسلواکی اظهار داشت از عوامل موثر در پیشرفت کشور، خصلت روشن و اصولی سیاست خارجی چکسلواکی است. حزب کمونیست چکسلواکی همواره در راه تحکیم موقعیت این کشور به مثابه جز "لاینفک" جامعه کشورهای سوسیالیست مبارزه کرده و از این طریق، بر اعتبار و نفوذ بین المللی چکسلواکی افزوده است. گوستاو هوزاک نتایج کنگره ۲۷ حزب کمونیست اتحاد شوروی را الهام بخش حزب و مردم چکسلواکی خواند.

دوشنبه بیست و چهارم مارس، در پراگ هفدهمین کنگره حزب کمونیست چکسلواکی با شرکت نزدیک به ۱۶۰۰ نماینده آغاز به کار کرد. در دستور کار کنگره، گزارش کمیته مرکزی و برنامه "ادامه ساختمان سوسیالیسم پیشرفته در جمهوری سوسیالیستی چکسلواکی برای برنامه پنج ساله آینده با چشم انداز تا سال ۲۰۰۰ قرار دارد. در نخستین روز کنگره گوستاو هوزاک دبیر کل حزب گزارش سیاسی کمیته مرکزی را ارائه کرد. بیش از ۱۰۰ هیات نمایندگی از احزاب کمونیست، کارگری و دمکرات ملی، و نیز ناظرین برخی احزاب سوسیال دمکرات میهمان کنگره حزب کمونیست چکسلواکی هستند.

گوستاو هوزاک طی گزارش خود خاطر نشان کرد ۱۵ سال پیش، هنگام برگزاری کنگره چهارم، نیروهای ضد سوسیالیست روی بیونیست "بیش بینی" می‌کردند چکسلواکی نخواهد توانست بر بحران اواخر دهه شصت غلبه یابد. جریان زندگی بویچی این ادعاها را به اثبات رسانید. به گفته هوزاک، چکسلواکی به مثابه یک کشور تحکیم یافته، از لحاظ سیاسی نیرومند و از لحاظ اقتصادی و اجتماعی پیشرفته و دارای سطح عالی زندگی و فرهنگ، وارد نیمه

مدت تشدید استثمار توسط سرمایه‌داران را دنبال می‌کند. بحران ساختاری، تضادهای سرمایه‌داری را عمیقاً تشدید کرده است. بی‌کاری ساختاری ادامه دارد. کارگران شاغل هر روز تأمین شغلی کمتری را احساس می‌کنند که خود موجب افزایش تنش اجتماعی می‌گردد. در چنین شرایطی بورژوازی بیش از هر زمان خواستار آن است تا مبارزه ضد سرمایه‌داری طبقه کارگر را محدود سازد. هجوم به سطح زندگی مردم، موجب تضعیف تقاضای کالا گردیده که خود، اقتصاد سرمایه‌داری را با مشکل روبرو می‌سازد.

اکنون این خطر وجود دارد که خواست سرمایه‌داری مبنی بر تحصیل حداکثر سود موجب افزایش سایقه تسلیحاتی و منازعه فنی، اقتصادی و تجاری بین کشورهای عمده سرمایه‌داری بر سر تقسیم مجدد بازار گردد. در این گیرودار بورژوازی هر کشور از طبقه کارگر خویش انتظار از خودگذشتگی لازم را دارد تا سرمایه‌داران بی‌پروا از نیازهای حیاتی جامعه، در این منازعه پیروز گردند.

اگر بخواهیم چشم انداز تجدید ساختار سرمایه‌داری نوین را ترسیم کنیم، باید بگوییم بی‌آمدهای عمیق اجتماعی چنین نظامی، ثبات جوامع سرمایه‌داری را به لرزه خواهد افکند.

از: سوسیالیسم تئوری و پراتیک - فوریه ۱۹۸۶

معین غارت نمایند. به عنوان مثال در آمریکا مرسوم شده است که اتحادیه‌های کارگران به ناچار در هنگام تجدید قراردادهای کار زیر بار کاهش دست‌مزد بروند. اتحادیه‌ها را مجبور می‌سازند تا "تجدید سازمان" موسسه را که مستلزم حذف تعداد قابل توجهی از مشاغل است بپذیرند.

انحصارات می‌کوشند به اهداف دوگانه‌ای دست‌یابند، از یک سو زحمتکشان را از دست‌رنج خویش محروم ساخته و بار تجدید ساختار را بردوش آنان تحمیل نمایند و از سوی دیگر کارگران مجرب، تحصیل کرده و کاردان و ضمن مطیع و وفادار را که الگوی جدید توسعه را به جریان خواهند انداخت و معترض خودگردان‌سازی و به کارگیری اندام ابزارها نمی‌باشند حفظ نمایند. به این منظور انحصارات (بورژوازه انحصارات آمریکایی) به تقلید الگوهای ژاپنی می‌پردازند که ضمن آن نیروی انسانی به دو گروه کارکنان دایمی و موقت تقسیم می‌گردند. استفاده از نیروی کارزان، استخدام‌های پاره‌وقت و اجاره کارگران از موسسات تخصصی به صورت پدیده‌هایی رایج درآمده است. موسسات تلاش می‌کنند جنبش اتحادیه‌ای را متلاشی سازند و فضایی "غیر اتحادیه‌ای" یا نظام اتحادیه کارگران - کارفرمایان را مستقر سازند. (شبه‌ژاپنی‌ها)

اشکال جدید مناسبات با کارگران در دراز

سرمایه‌داری در تنگنای بحران ساختاری

بقیه از صفحه ۱۳

این سیاست به ویژه در ایالات متحده آمریکا (اقتصاد ریگانی) و انگلستان (تاجریسم) رواج داشته است.

اما صرفه‌جویی‌هایی از این دست تماماً صرف افزایش سریع هزینه‌های نظامی می‌گردد. در چنین شرایطی نمی‌توان از موازنه بودجه سخن راند. محدودیت‌های طبقه‌بندی بورژوازی و سودجویی‌های تنگ‌نظرانه انحصارات اجازه نمی‌دهد توزیع منابع به نفع شکوفایی جامعه انجام شود.

سیاست اشتغال و فروپاشی نظام "ضربه گیر"های اجتماعی مکمل یکدیگرند و مجموعاً بخشی از سیاست وسیع‌تر "انتقام اجتماعی" را که طی دوران بحران ساختاری توسط بورژوازی دنبال می‌شود تشکیل می‌دهند. بی‌کاری، کارگران را ناگزیر می‌سازد که مشاغل خویش را دو دستی نگاه دارند و این امر مبارزات اعتصابی را با دشواری روبرو می‌سازد. تنزل نظام تأمین اجتماعی دولتی نیز زحمتکشان را هر چه بیشتر وابسته به کارفرمایان می‌سازد. این وضعیت کارفرمایان را در موقعیت مطلوبی قرار می‌دهد تا دست‌رنج کارگران را چه در مقیاس کشوری و چه در چارچوب درآمد واقعی حاصله از کار در یک موسسه

تجاوز نظامی آمریکا به لیبی

شامگاه دوشنبه چهارم فروردین، بدنبال یک سلسله موارد تجاوز کشتی‌ها و هواپیماهای جنگی آمریکا به حریم دریایی و هوایی لیبی، خلیج "سیرت" شاهد زد و خورد مسلحانه میان جنگنده‌های آمریکایی و کشتی‌های مدافع سواحل لیبی گردید. ناوگان آمریکا در چار چوب یک "مانور" در دریای مدیترانه، وارد خلیج سیرت شده بود. تقریباً همه کشورهای مدیترانه، از جمله ناتو، این خلیج را حریم دریایی لیبی می‌دانند. حجم عمده‌ای از رفت و آمد داخلی میان بنادر لیبی، از طریق این خلیج صورت می‌گیرد. اما ایالات متحده به این بهانه که حریم دریایی یک کشور بیش از ۱۲ مایل نیست، تاکنون چند بار در خلیج سیرت دست به تحریک زده است. در تابستان ۱۳۶۰ نیز بر فراز این خلیج هواپیماهای آمریکا و لیبی به تبادل آتش پرداختند.

این بار مقامات آمریکایی حتی نیازی هم بدین ندیدند که علت واقعی درگیری را منکر شوند. در اظهارات این مقامات، صراحتاً "لژوم کوشالی دادن به لیبی" مطرح شد. دولت آمریکا تا لویحات تأیید نمود که مفسده جویی علیه لیبی از مدت‌ها پیش طرح ریزی گردیده بود. اختلاف بر سر وضعیت حقوقی حریم خلیج سیرت، تنها بهانه‌ای بود که دولت ریگان با استفاده از آن، لیبی را مورد تجاوز نظامی قرار داد. مطبوعات و تلویزیون آمریکا از چند روز قبل از واقعه گزارش دادند هواپیماها و کشتی‌های جنگی آمریکایی وارد حریم لیبی خواهند شد تا "قذافی را تحریک کنند" شبکه تلویزیونی "سی بی اس" این جمله را از قول یک مقام دولتی در واشنگتن نقل کرد، "اگر قذافی واکنش نظامی نشان دهد، کوشالی خواهد شد." بدنبال درگیری شدن هواپیماهای آمریکا و کشتی‌های لیبی، ناوگان آمریکا به تجاوز خود ادامه داد و جنگنده‌های آمریکایی، یک نقطه از ساحل خلیج را هم بمباران کردند.

سخنگوی کاخ سفید اعلام داشت دستور وارد آوردن ضربه نظامی به لیبی به بهانه "دفاع" از ریگان در بیست و چهارم اسفند صادر کرده بود.

تجاوز نظامی آمریکا به لیبی در سراسر جهان با اعتراض و ابراز نگرانی روبرو شد. حتی برخی از متحدین آمریکا این تجاوز را محکوم کردند. دولت‌های ایتالیا، اسپانیا، بریتانیا و کانادا نسبت به عواقب درگیری در دریای مدیترانه هشدار دادند. سخنگویان مقر مرکزی ناتو در بروکسل تأکید کردند درگیری آمریکا با لیبی ربطی به ناتو ندارد. کشورهای سوسیالیستی عمل آمریکا را شدیداً محکوم کردند. اتحاد شوروی در خواست تشکیل اجلاس فوق‌العاده شورای امنیت را نمود و در این اجلاس، اقدام ایالات متحده را راهزنی و نقض حقوق بین‌المللی خواند. وزارت خارجه کوبا علیه به خطر افکندن صلح و امنیت منطقه دریای مدیترانه از سوی واشنگتن، قویاً اعتراض کرد. وزرای خارجه اتحادیه عرب طی یک نشست اضطراری در تونس، تجاوز آمریکا به لیبی را محکوم و بر همبستگی کشورهایشان با لیبی تأکید کردند.

آزمایش هسته‌ای آمریکا، گامی علیه صلح

علیرغم اعتراضات گسترده بین‌المللی و تقاضای تعدادی از نمایندگان کنگره آمریکا دایر بر پذیرفتن پیشنهاد اتحاد شوروی و عدم انجام آزمایش هسته‌ای، به دستور ریگان در روز شنبه دوم فروردین، در صحرای نوادای ایالات متحده یک انفجار هسته‌ای صورت پذیرفت. روزنامه پر اودا این اقدام را "دهن کچی به افکار عمومی جهان" خوانده و تأکید کرد دولت آمریکا با این اقدام "مسئولیت‌سنجینی را در مورد عواقب این کام‌کوته بینانه" به گردن گرفته است.

بیش از ۶۰ تن از اعضای کنگره آمریکا یک روز قبل از انجام انفجار هسته‌ای مریور، خواهان لغو این آزمایش و قطع بودجه همه آزمایش‌های هسته‌ای تا زمانی شدند که اتحاد شوروی نیز از آزمایش سلاح هسته‌ای خودداری کند.

"پارلمان" مارکوس منحل شد

کوراژون آکینو رئیس جمهوری فیلیپین قانون اساسی موقت این کشور را امضا و "پارلمان" فلابی رژیم مارکوس را منحل کرد. قرار است در ظرف یک سال، قانون اساسی جدید به آراء عمومی گذاشته شود.

مطبوعات غرب گزارش دادند مارکوس و همراهانش هنگام فرار به آمریکا پول نقد و جوهراتی به ارزش ۷۷۷ میلیون دلار با خود داشتند. در ایالات متحده کمیسیونی مأمور بررسی دارایی‌های مارکوس در این کشور شده است تا در مورد تقاضای دولت جدید فیلیپین مبنی بر استرداد این اموال غارت شده، تصمیم گرفته شود.

آکینو در پیامی خطاب به ارتش نوین خلقی فیلیپین، از انقلابیون خواست تا سلاح‌ها را بر زمین گذارند، زیرا با فرار مارکوس، "دلیل مبارزه مسلحانه از بین رفته است." رئیس جمهور فیلیپین انقلابیون را تهدید کرد در صورت ادامه فعالیت مسلحانه آنها، به اعمال قهروری خواهد آورد. این در حالی است که ارتش فیلیپین همچنان به عملیات سرکوبگرانه خود علیه انقلابیون و مردم مناطق آزاد شده ادامه می‌دهد و در هفته‌های اخیر چندین نفر را طی این عملیات به قتل رسانده است.

کشمکش در واشنگتن بر سر کمک به ضد انقلابیون نیکاراگوئه

مجلس سنای آمریکا با اکثریت ۵۲ رای در برابر ۴۷ رای اختصاص یک بودجه ۱۰۰ میلیون دلاری برای کمک به ضد انقلابیون نیکاراگوئه را تصویب کرد و تنها این شرط را بدان افزود که تا ماه ژوئیه، پول برای سلاح‌های تهاجمی در اختیار ضد انقلاب نیکاراگوئه قرار نگیرد. در صورت عدم دستیابی به "راه حل سیاسی"، این مبلغ باقیمانده هم پرداخت خواهد شد.

یک هفته پیش از رای گیری در سنا، مجلس نمایندگان کمک به ضد انقلابیون نیکاراگوئه را رد کرده بود. اینک با رای سنا، بار دیگر در مجلس نمایندگان رای گیری خواهد شد. دولت ریگان برای تصویب این بودجه فعالیت شدیدی انجام می‌دهد. از جمله، بدنبال سرکوب اخیر ضد انقلابیون در مرز هند و راس، رسانه‌های آمریکایی هیاهوی تبلیغاتی وسیعی به راه انداخته‌اند و طی آن مدعی شده‌اند که ارتش نیکاراگوئه وارد خاک هند و راس شده است.

اخبار کوتاه

* نزدیک به ۲۵ هزار نفر دوشنبه گذشته در سان سالوادور پایتخت السالوادور بابت گزاری تظاهراتی خاطره اسقف رومرو را که شش سال پیش بدست نظامیان حاکم به قتل رسید، گرامی داشتند. آنها خواستار مجازات قاتلین رومرو شدند.

* در هائیتی موج تظاهرات علیه رژیم ژنرال مامفی ادامه دارد. در پورت اوپرنس پایتخت این کشور هزاران تن خواهان برکناری خونخوار نظامی و تشکیل دولت غیر نظامی گردیدند.

* در روز اول فروردین که از سوی سازمان ملل روز بین‌المللی مبارزه علیه تبعیض نژادی اعلام شده است، به یاد ۶۹ نفری که در ۲۱ مارس ۱۹۶۰ به دست پلیس آفریقای جنوبی در شارپویل به قتل رسیدند، در سراسر این کشور تظاهراتی علیه رژیم آپارتاید صورت گرفت. عکس ذیل گوشه‌ای از این تظاهرات را در شارپویل نشان می‌دهد.



تشکیل دولت شیراک در فرانسه

تصویری کامیاب و واقعی از میزان نفوذ هر حزب و برنامه‌اش در میان مردم ارائه می‌داد. (البته در مرحله دوم چنین نبود). در این دوره، به ویژه حزب سوسیالیست کوشید چنین وانمود سازد که آنچه مهم است، برنامه انتخاباتی و محتوای سیاستها نیست، بلکه "رای مفید" است. هدف عمده این تبلیغات، جلب رای دهندگان بالقوه حزب کمونیست فرانسه بود. چنانچه از نتایج انتخابات بر می‌آید، این کوشش حزب سوسیالیست چندان هم بی‌ثمر نماند.

در این انتخابات آرا حزب کمونیست کاهش چشمگیری پیدا کرد و به زیر ۱۰ درصد رسید. البته این کاهش تنه‌ای قانون جدید انتخابات و تبلیغات همراه با آن باز نی‌گردد، بلکه شکست تجربه "اتحاد چپ"، یعنی ائتلاف احزاب کمونیست و سوسیالیست، در این روند تاثیر خود را گذاشت. با آنکه مسئولیت عدم تحقق وعده‌های انتخاباتی سال ۱۹۸۱ (سال انتخاب میتران) تنها به عهده رهبری حزب سوسیالیست است، هم حزب سوسیالیست هم حزب کمونیست، که از ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۴ مشترکاً دولت را تشکیل داده بودند، بخش بزرگی از آرا خود را در انتخابات اخیر از دست دادند.

انتخابات پارلمانی فرانسه، به سرآغاز نوعی همکاری میان حزب سوسیالیست و احزاب دست راستی تبدیل شد. با انتصاب شیراک از سوی میتران، نسخه موسوم به "کوه‌بیتاسیون" (همزیستی) که رئیس جمهور فرانسه از ماه‌ها قبل آن را تبلیغ می‌کرد، جامه عمل پوشید. برخی مفسرین، این روند را "سیال دمکراتیزه" شدن حزب سوسیالیست فرانسه خوانده‌اند. به عبارت دیگر، حزب سوسیالیست که از سال‌ها پیش به طور سنتی، لاقول در ظاهر مشی "اتحاد چپ" را پذیرفته بود و قبل از انتخابات ۱۹۸۱ حزب کمونیست را نزدیک ترین نیروی سیاسی به خود می‌دانست، اینک به همکاری و نوعی ائتلاف با احزاب نئوکلیست و بقیه در صفحه ۱۱

در روز یکشنبه شانزدهم مارس، انتخابات مجلس ملی فرانسه برگزار شد. همانگونه که انتظار می‌رفت، حزب سوسیالیست در این انتخابات اکثریت کرسی‌های پارلمان را که در دوره قبل اشغال کرده بود، از دست داد و در عوض ائتلاف دو حزب دست راستی "جنبش متحد برای جمهوری" (ا.پ.ا.) و "اتحاد برای دمکراسی فرانسه" (ا.و.د.اف.) توانستند از ۵۷۷ کرسی مجلس ۲۹۲ عدد را به خود اختصاص دهند. بدنبال دست یابی این احزاب (نئوکلیست و لیبرال) به اکثریت ضعیف پارلمانی، فرانسوا میتران رئیس جمهور سوسیالیست فرانسه، ژاک شیراک نخست وزیر سابق، شهردار پاریس و رهبر حزب "ا.پ.ا." را مامور تشکیل کابینه کرد.

نتایج انتخابات ۱۶ مارس بدین قرار است: ائتلاف راست ۴۴ درصد آرا* و ۲۹۲ نماینده، حزب سوسیالیست ۲۱/۵ درصد آرا* و ۲۱۶ نماینده، حزب فاشیستی "جبهه ملی" به رهبری ژان ماری لوپن ۱۰ درصد آرا* و ۲۲ نماینده، حزب کمونیست فرانسه نزدیک به ۱۰ درصد آرا* و ۲۴ نماینده.

برای نخستین بار، انتخابات پارلمانی فرانسه طبق قانون جدید انتخابات برگزار شد. در دوره‌های قبل، انتخابات در دو مرحله برگزار می‌شد و در صورت عدم کسب اکثریت مطلق (۵۰ درصد بعلاوه یک رای) در دور اول توسط یکی از کاندیداها، در مرحله دوم، دو کاندید دارای بیشترین رای برای کسب اکثریت رقابت می‌کردند. طبق قانون جدید، در هر منطقه تعداد نمایندگان هر حزب به نسبت درصد آرا* آن در آن منطقه تعیین می‌گردد.

برگزاری انتخابات طبق قانون جدید، نتایج معینی در نتیجه انتخابات داشت. تصادفی نبود که پیش از انتخابات پارلمانی، میتران و حزب سوسیالیست با استفاده از اکثریت مطلق خود، قانون جدید را از مجلس گذاراندند. نتیجه، آن شد که اولاً- امکان انتخاب کاملاً آزاد که طبق قانون قبلی در دور اول وجود داشت سلب گردد، وثانیاً- رای دهنده در برابر این انتخاب دشوار قرار گیرد که به حزب و برنامه انتخاباتی مورد نظرش رای دهد و یا "رای مفید" به صندوق ببندد. در دوره‌های قبلی انتخابات پارلمانی فرانسه، لاقول نتایج مرحله اول انتخابات

یازدهمین کنگره کنفدراسیون عمومی ایتالیایی کار برگزار شد

سندیکای کارگران یا سندیکایی برای کارگران؟

سندیکائی همه کارگران بدون تبعیض در مورد تفکرات سیاسی و مذهبی" بنیان نهاده شد. در تمام سالهای پس از جنگ تا به امروز علیرغم فشارهای تفرقه افکنانه سرمایه‌داری ایتالیا، موقعیت بی همتای خود را در جنبش کارگری این کشور حفظ کرده است.

اکنون در شرایطی یازدهمین کنگره کنفدراسیون عمومی کارگران می‌شود که دستاوردهای جنبش کارگری ایتالیا را تعرض راست به مخاطره افکنده است. سرمایه‌داری ایتالیانه تنها حاضر نیست مطالبات برحق صنفی کارگران این کشور را پاسخ گوید بلکه اقداماتی را آغاز کرده است تا دستاوردهای تقویت شده کارگران را نیز بازپس بگیرد. یازدهمین کنگره برای یافتن تاکتیک‌های مناسب برای مقابله با تعرض راست و اتحاد مبارزه کارگران و تالیف بزرگی در دستور کار داشت.

علاوه بر این در آستانه برگزاری کنگره، فشار بر این شکل کارگری بمنظور خدشه دار ساختن مضمون طبقاتی شدت بی‌مانندی گرفت. این فشار هم از بیرون و هم از درون اعمال می‌شد. مثلاً دبیر کل اتحادیه ایتالیائی کار (C.G.I.L) در نطق خود در کنگره C.G.I.L خواستار شد که این سندیکا "تنها سندیکای کارگران نباشد بلکه سندیکائی برای همه شهروندان باشد." اما نتایج یازدهمین کنگره برای کارگران ایتالیائی امیدبخش بود. در پاسخ به این دعای آنتونیوپیت سیناتو دبیر کل جدید C.G.I.L در نطق اختتامیه اعلام داشت که "سندیکا بایستی سندیکای کارگران باشد نه سندیکائی برای کارگران"

هم چنین در یکی از اسناد پیشنهاد شده به کنگره به بهانه پدیدار شدن "دگرگونی عمیق در ساختار اجتماعی طبقات زحمتکش" نقش تاریخی طبقه کارگر زیر سؤال رفته بود. اما جمع بند مباحث کنگره در این زمینه چنین شد که "طبقه کارگر نقش بنیادین در درون کمپ کار دارد." پیش از کنگره نیز دبیر کل حزب کمونیست ایتالیا با توجه به وجود چنین مباحثی در مقاله‌ای که به مناسبت برگزاری کنگره یازدهم نوشته بود، بر "نقش بزرگ و غیر قابل تعویض طبقه کارگر" تاکید کرده

کنفدراسیون عمومی ایتالیائی کار C.G.I.L در ماه گذشته یازدهمین کنگره خود را برگزار کرد. در این کنگره که از روز هشتم اسفند آغاز و تا سیزدهم همین ماه به طول انجامید، ۱۲۵ نماینده بخش‌های مختلف کارگری ایتالیا و نیز قریب به ۱۵۰ میهمان از کشورهای مختلف جهان شرکت داشتند. بر کار کنگره حدود ۶۰۰ کارگر و دستداران جنبش کارگری که در محل کنگره حضور می‌یافتند، مستقیماً نظارت می‌کردند. در میان هیات‌های خارجی شرکت کننده در کنگره هیاتی از سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) حضور داشت که به دعوت رسمی کنفدراسیون عمومی کار در کنگره شرکت کرده بود. هیات فدائی حامل پیامی از سوی سازمان برای نمایندگان کنگره بود که طی آن برای این کنگره در راستای پاسداری از منافع طبقه کارگر ایتالیا، آرزوی پیروزی شده بود. اعضای هیات ضمن شرکت در جلسات کنگره، دیدارهای مفیدی با رهبران کنفدراسیون و اعضای هیاتهای میهمان داشتند. در این دیدارها بر همبستگی جهانی کارگران تاکید و موقعیت کنونی جنبش کارگری در کشورها تشریح شد.

کنفدراسیون عمومی ایتالیائی کار به مثابه بزرگترین شکل سندیکائی کارگری ایتالیا نقش بلامنازعی در رهبری مبارزات صنفی طبقه کارگر این کشور ایفا می‌کند. جایگاه C.G.I.L در جنبش کارگری ایتالیا و کل حیات سیاسی این کشور بگونه‌ای است که همواره تصمیمات آن تاثیر مهمی بر سیر تحولات اوضاع در ایتالیا بر جای می‌نهد.

جنبش سندیکائی در ایتالیا سابقه‌ای صد ساله دارد. از زمانیکه اولین انجمن‌های حرفه‌ای کارگری ایتالیا در ۱۸۸۰ بنیانگذاری شد تا زمان سلطه فاشیسم که سندیکاهای کارگری رسماً غیر قانونی اعلام شده و به شکل زیرزمینی به فعالیت خود ادامه دادند، راه پرفراز و نشیبی طی شد که طی آن تجارب گرانیهائی برای کارگران این کشور بدست آمد. با بهره‌گیری از این تجارب بود که پس از سقوط فاشیسم، در سال ۱۹۴۴ بدنبال صدور بیانیه "در مورد تحقق وحدت سندیکائی"، بر مبنای "وحدت

AKSARIYAT
NO. 100
MONDAY MAR 31-86
آدرس: Address:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY